

جان پای پر

سپیده دم

# شادی

بی زوال

---

ویژه نامه روزانه به مناسبت میلاد مسیح

---



# سپیده دم شادی بی زوال

ویژه نامه روزانه  
به مناسبت میلاد مسیح

جان پای پر

*The Dawning of Indestructible Joy: Daily Readings for Advent*

Copyright © 2014 by Desiring God Foundation

Published by Crossway

Wheaton, Illinois 60187, U.S.A.

This edition published by arrangement

with Good News Publishers.

All rights reserved.

Farsi translation published by:

The Gospel Coalition

February 2019

[www.MahfeleEnjil.com](http://www.MahfeleEnjil.com)

تقدیم به سَمِ استورمز  
رفیق و همراه و هم‌نظم در آموزهٔ خوشی‌گرایی در مسیحیت،  
دوست و یاورِ ارزشمند، برای شادی بی‌زوال.



## فهرست

۹	سرآغاز
۱۳	پیش‌گفتار
۱۷	در این عید میلاد مسیح برای پُری و لبریز بودن دعا کنید
۱۷	۱ دسامبر رسالتِ جستن و نجات بخشیدن
۱۹	۲ دسامبر دلتان را برای مسیح آماده نمایید
۲۱	۳ دسامبر نزد نجات‌دهنده آیید
۲۵	۴ دسامبر عید میلاد مسیح از چه سخن می‌گوید؟
۲۷	۵ دسامبر چرا میلاد مسیح از راه رسید
۲۹	۶ دسامبر در میلاد مسیح، خدا برای خودش شور و شوق دارد
۳۳	۷ دسامبر او می‌آید تا ما را برکت دهد
۳۵	۸ دسامبر می‌توان به خدا اعتماد نمود
۳۹	۹ دسامبر چرا پسرانسان؟
۴۱	۱۰ دسامبر میلاد مسیح روی داد تا چه چیز را باطل گرداند؟
۴۳	۱۱ دسامبر جشن محبت خدا
۴۵	۱۲ دسامبر جلال کلمه جسم گردید
۴۹	۱۳ دسامبر میلاد مسیح تاریخ را دونیمه کرد

۵۳	رحمتی که مسیح وعده اش را می دهد	۱۴ دسامبر
۵۵	گنجینه حقیقی ما	۱۵ دسامبر
۵۹	آزاد گشتیم تا عضو خانواده خدا گردیم	۱۶ دسامبر
۶۱	او آمد تا خدمت کند	۱۷ دسامبر
۶۳	نرم و ملایم، دل زده شوید	۱۸ دسامبر
۶۷	هدیه ای که نمی توانید آن را خریداری کنید	۱۹ دسامبر
۶۹	خدا با ما آشتی نمود	۲۰ دسامبر
۷۱	چشمان خود را برای دیدن میلاد مسیح آماده کنید	۲۱ دسامبر
۷۵	واقعیتی که باید برایش سرود خواند و نغمه سرايید	۲۲ دسامبر
۷۹	عمیق ترین نیاز ما در عید میلاد مسیح	۲۳ دسامبر
۸۳	جمع وعده های خدا از آن ما هستند	۲۴ دسامبر
۸۷	فیض: طنین اندازترین نوای میلاد مسیح	۲۵ دسامبر
۹۱	نجات دهنده ای متولد شد! خدا جلال می یابد، شما صلح و آرامش می یابید	جمع بندی
۱۰۵		تشکر ویژه



## سرآغاز

من هم همان احساسی را دارم که پطرس رسول در پایان عمرش و به هنگام نوشتن نامهٔ دومش داشت. پطرس دلیل نوشتن نامه‌اش را دوباره به مخاطبانش یادآوری می‌کند. در فصل اول، می‌گوید: «این را صواب می‌دانم، مادامی که در این خیمه هستم، شما را به یادآوری برانگیزانم» (دوم پطرس ۱: ۱۳). در فصل آخر نیز دوباره می‌گوید: «دلِ پاک شما را به طریق یادگاری برمی‌انگیزانم» (دوم پطرس ۱: ۳).

هدف پطرس یادآوری به مخاطبانش بود. اما هدف دومش این بود که آنها را با این یادآوری برانگیزد. هدف از این کتاب مختصر نیز همین است: یادآوری کند و برانگیزاند.

در زبان یونانی، واژه‌ای که «برانگیختن» ترجمه شده است معمولاً عبارتی است که برای از خواب بیدار نمودن به کار برده می‌شود. به همین دلیل، برای نمونه، انجیل مرقس ۴: ۳۹ می‌فرماید: «[عیسی] برخاسته، باد را نهیب داد.» پطرس فرض را بر این قرار می‌دهد که مخاطبان مسیحی‌اش باید از خواب بیدار شوند. می‌دانم که خودم هم باید بی‌وقفه از خواب بیدار شوم، به خصوص زمانی که به عید میلاد مسیح نزدیک می‌شویم.

من مستعد هستم که به لحاظ روحانی کرخت و خواب‌آلود و بی‌میل و ولرم شوم. ذات آدمیزاد است دیگر و مسیحیان نیز از این قاعده استثنا نیستند، حتی وقتی حرف از امور مهم و اساسی در میان است. پطرس هم این را می‌دانست و به همین دلیل به مخاطبانش نامه می‌نویسد که آنها را بیدار کند یا برانگیزد تا در کنار دانستن حقیقت از اعجاب و شگفتی حقیقت نیز به وجد آیند.

من نیز به همین دلیل این مطالب را نوشته‌ام. من و شما به تعلیم تازه نیاز نداریم. حقیقتی که تازه باشد به احتمال بسیار اصلاً حقیقت نیست. نیاز ما این است که عظمت حقایق قدیمی به ما یادآوری شود. ما می‌خواهیم یک نفر حقیقت قدیمی را با تازگی و طراوت به ما یادآوری نماید. چه بسا گاه طراوت و تازگی هم لازم نباشد، بلکه فقط حقیقت را بازگو کند.

منظور پطرس و منظور من از بیدار کردن یا برانگیختن این است که آن شادی و نشاطی را که خدا برای عید میلاد مسیح در نظر دارد احساس کنید. «اینک، بشارت خوشی عظیم به شما می‌دهم» (لوقا ۲: ۱۰). نه خوشی اندک، نه خوشی متوسط، بلکه «خوشی عظیم». اگر هنگام اندیشیدن به حقیقت جسم گشتن پسر خدا این خوشی عظیم را احساس نمی‌کنیم، باید بیدار شویم. باید برانگیخته شویم.

من عید میلاد مسیح و این کتاب کوچک را «سپیده‌دم شادی بی‌زوال» نام نهاده‌ام. دلیلش این است که آن خوشی و شادی که عیسی به جهان آورد در تاریخ همانند ندارد. وقتی این شادی در ما ساکن می‌شود، دیگر از بین نمی‌رود. عیسی می‌فرماید: «هیچ‌کس آن خوشی را از شما نخواهد گرفت» (یوحنا ۱۶: ۲۲).

آن شادایی که عیسی آمد تا به جهان هدیه دهد شادایی از جنس این دنیا نیست. این شادی همان شادایی است که عیسی خودش در خدای پدر از آن برخوردار است. عیسی از ازل صاحب این شادی بوده است و تا ابد از آن بهره‌مند خواهد ماند. بالاتر از شادایی که خدا در خدا دارد شادایی وجود ندارد، چرا که خدا خودش برترین مقصود شادی است و فقط خود خدا بیشترین قدرت و توانِ حظّ بردن از این شادی را دارا است.

عیسی می‌فرماید: «این را به شما گفتم تا خوشی من در شما باشد و شادی شما کامل گردد» (یوحنا ۱۵:۱۱). شادی عیسی همان شادی خدا بود. عیسی وعده داد که این شادی را به ما هدیه دهد. این کار روح‌القدس است. روح‌القدس محبت خدا را در دل‌های ما جاری می‌سازد (رومیان ۵:۵) و ما را به همراه این محبت از شادی خدا، که از خدا سرچشمه می‌گیرد، سرشار می‌گرداند. «ثمرهٔ روح محبت و خوشی . . .» (غلاطیان ۵:۲۲). این همان «خوشی عظیم» است، خوشی عظیمی که ناپدید نمی‌گردد. این خوشی یک شادی بی‌زوال است.

اما این شادی می‌تواند به خواب رود. به همین دلیل است که پطرس می‌گوید: «این را صواب می‌دانم، مادامی که در این خیمه هستم، شما را به یادآوری برانگیزانم» (دوم پطرس ۱:۱۳). بله، کار درست همین است، چون چه ناروا چه ناجور چه ناپسند چه غم‌انگیز است که در مقابل شگفتی‌های عظیم بایستیم و هیچ احساسی به ما دست ندهد! بنابراین، مصلحت این است که پطرس قلم به دست بگیرد و من قلم به دست بگیرم تا احساساتمان را برای شگفت‌آورترین شگفتی‌های عالم برانگیزیم: آمدن عیسی مسیح، پسر خدا، به این جهان و کاری که به انجام رساند.

باشد که روح خدا به وسیلهٔ این کتاب چشمانتان را از نو بگشاید تا جلال مسیح را بنگرید و شما را حس چشایی تازه عطا گرداند تا طعم این شادی بی‌زوال را مزه‌مزه کنید.

پیش‌گفتار

## در این عید میلاد مسیح برای پُری و لبریز بودن دعا کنید

کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پُراز فیض و راستی، و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر . . . و از پُری او جمیع ما بهره یافتیم و فیض به عوض فیض.

یوحنا ۱: ۱۴-۱۶

در یکی از روزهایی که برای پیشواز عید میلاد مسیح آماده می‌شدیم، لحظه‌ای غرق در این آیات گشتم. در جلسه دعای پیش از شروع موعظه، یکی از آقایان دعای خود را به آیات انجیل یوحنا ۱: ۱۴-۱۶ زینت داد. در آن لحظات دعا و نیایش، خدا مرا با واژه «پُری» لبریز نمود. چه تجربه فراطبیعی و عجیبی بود! گویی روح القدس مرا غوطه‌ور نموده بود.

در آن لحظه، مفهوم واقعی «پُری مسیح» را با همه وجودم احساس نمودم. در بهت و شگفتی و حیرتی فرو رفتم که احساس کردم فیض در پی فیض یافتیم از آن پُری. احساس کردم هیچ چیز دلپذیرتر از این نیست که کل آن بعد از ظهر را پیش پای مسیح بنشینم، به عبارتی، کتاب مقدس را بخوانم، و وفور پُری او را با همه وجودم احساس نمایم.

چرا آن پُری این چنین بر من تأثیر گذاشت؟ چرا هنوز هم تا همین لحظه تأثیر عجیبش در من مشهود است؟ به چند دلیل اشاره می‌کنم:

- آن کسی که از پُری اش با فیض لبریز گشته‌ام کلمه است که نزد خدا بود و با خدا بود (یوحنا ۱: ۲-۳). از این رو، پُری او پُری خدا است، یک پُری الهی است، یک پُری بی‌نهایت است.
- این کلمه با پُری اش جسم گردید و همانند ما شد و به جستجوی ما آمد. از این رو، این پُری یک پُری قابل دسترس است.
- وقتی این کلمه انسان گشت، جلالش به چشم همگان آمد. پُری او پُری پر جلال است.
- این کلمه «پسریگانه خدا» بود. از این رو، پُری الهی به من منتقل گشت. این پُری فقط از جانب خدا به من منتقل نگشت، بلکه به واسطه خدا به من انتقال یافت. به این معنی که خدا فرشته‌ای را نزد من نفرستاد، بلکه پسریگانه خدا پُری اش را منتقل نمود.
- پُریِ پسر پُریِ فیض است. من در این پُری احساس خفگی نمی‌کنم، بلکه همه‌جانبه از این پُری برکت می‌یابم.
- این پُری هم پُریِ فیض است و هم پُریِ راستی. من با چاپلوسی و چرب‌زبانی که عاری از حقیقت است از فیض لبریز نگشته‌ام، بلکه این فیض در واقعیتی محکم و استوار ریشه دارد.

اکنون که طعم روشن‌نگری پُری مسیح را می‌چشم، کلام پولس در گوشم طنین می‌افکند: «درو، از جهت جسم، تمامی پُری الوهیت ساکن است»

(کولسیان ۹:۲). صدای پولس را می‌شنوم که می‌گوید: «خدا رضا بدین داد که تمامی پُری در او ساکن شود» (کولسیان ۱:۱۹). «در وی، تمامی خزاین حکمت و علم مخفی است» (کولسیان ۲:۳).

پولس دعا می‌کند که ما پُری مسیح را تجربه نماییم. نه اینکه فقط از این پُری آگاه شویم، بلکه از آن لبریز گردیم. صدای پولس را می‌شنوم که برایم چنین دعا می‌کند: او دعا می‌کند که من توانایی یابم «که با تمامی مقدسان ادراک کنم «که عرض و طول و عمق و بلندی چیست و عارف» شوم «به محبت مسیح که فوق از معرفت است، تا پُری» شوم «تا تمامی پُری خدا» (افسیان ۳:۱۸-۱۹).

به گفته پولس، وقتی توانایی می‌یابیم تا عرض و طول و عمق و بلندی محبت مسیح را درک نماییم، آن‌گاه، می‌توانیم «پُری خدا» را به کمال تجربه کنیم. این حقیقتی شایان توجه است: پُری خدا به معنای درک نمودن (تجربه نمودن) محبت مسیح در بُعد روحانی است. این محبت از پسر خدا لبریز می‌گردد و بر ما جاری می‌شود.

بنابراین، وقتی پولس در رساله رومیان از «کمال برکت مسیح» سخن می‌گوید (رومیان ۲۹:۱۵)، گویی تجربه مرا توصیف می‌نماید. آرزویم این است که همه شما هم این تجربه را داشته باشید.

در این روزهایی که به پیشواز میلاد مسیح می‌رویم، به خلوت بروید و از خدا بخواهید این تجربه را به شما هدیه دهد. دعای پولس در رساله افسسیان ۳:۱۴-۱۹ را به خودتان نسبت دهید: «تا پُرشوید تا تمامی پُری خدا.» تا قوت و توانایی یابید «که با تمامی مقدسان ادراک کنید که عرض و طول و عمق و بلندی چیست و عارف شوید به محبت مسیح که فوق از معرفت است.»

این است دعای من برای شما در این عید میلاد مسیح: باشد که پُری مسیح را تجربه نمایید. باشد که در دلتان فیض از پی فیض جاری گردد. باشد که جلال پسریگانه پدر به دل‌هایتان بتابد و نور معرفت جلال خدا در چهره مسیح در شما بدرخشد. باشد که از اینکه مسیح برای شما بسیار واقعی است در بهت و حیرت بمانید.



## رسالتِ جستن و نجات بخشیدن

زیرا که پسرانسان آمده است تا گمشده را بجوید و نجات بخشد.

لوقا ۱۹:۱۰

در این فصل از سال، بر معنای آمدن پسر خدا به این جهان تمرکز می‌نماییم. آمدن مسیح باید دلیل جشن و سُورور ما در این روزها باشد. دلیل آمدن مسیح در انجیل لوقا ۱۰:۱۹ خلاصه گشته است: «زیرا که پسرانسان آمده است تا گمشده را بجوید و نجات بخشد.»

آمدن عیسی رسالتِ جستن و نجات بخشیدن بود. «پسرانسان آمده است تا گمشده را بجوید و نجات بخشد.»

پس روزهایی که به پیشواز میلاد مسیح می‌رویم روزهای اندیشیدن به رسالت خدا است، رسالتِ جستن گمشدگان و نجات آنها از غضبی که در راه است. خدا «او را از مردگان برخیزانید، یعنی عیسی، که ما را از غضب آینده می‌رهاند» (اول تسالونیکیان ۱:۱۰). این است فصل پرستش خدا و گرامیداشت این خصوصیت خدا، خدایی که جوینده و نجات‌دهنده است. او خدایی است که رسالت دارد. او خدایی منزوی و خنثی و بی‌اراده نیست. او خدایی

راکد و بی جنبش و بی تکاپو نیست. او خدایی است که پسر یگانه اش را به جهان فرستاد. او خدایی پیگیر است. او خدایی جوینده است. او خدایی نجات دهنده است. این است مفهوم روزهایی که به پیشواز میلاد مسیح می رویم.

کتاب اعمال رسولان بزرگداشت دل مشتاق خدا است، خدایی که در جنب و جوش است تا گمشدگان را بجوید و نجات بخشد. کتاب اعمال رسولان روایتگر ورود بی وقفه عیسی به زندگی مردم جهان است. کتاب اعمال رسولان گویای این حقیقت است که کلیسای اولیه این کلام عیسی را درک نموده بود: «چنان که پدر مرا فرستاد، من نیز شما را می فرستم» (یوحنا ۲۰: ۲۱). کتاب اعمال رسولان بیانگر این مهم است که چگونه آمدن خدا از آسمان در شخص عیسی و رسالتش به رسالت کلیسا، یعنی ما، می انجامد.

عیسی در نخستین عید میلادش به جهان آمد. از تولد مسیح تا به امروز، هر عید میلاد مسیح یادآور ورود بی وقفه او به زندگی شمار زیادی از مردم است. در واقع، عید میلاد مسیح ورود ما را هم نوید می دهد، ورود به زندگی اطرافیانمان و ورود به زندگی مردم در گوشه و کنار جهان.

دوم دسامبر

## دلتنان را برای مسیح آماده نمایید

شما چگونه می‌توانید ایمان آرید و حال آنکه جلال از یکدیگر می‌طلبید  
و جلالی را که از خدای واحد است طالب نیستید؟

یوحنا ۴:۵

خدا مالک است و صاحب اختیار همه چیز. خدا برای برآورده ساختن نیازها و آرزوهای قلبی‌تان نمی‌توانست در این عید میلاد مسیح هدیه‌ای به شما عطا کند که از تسلی اسراییل و رهاننده اورشلیم بهتر باشد، از جبران ضررها و شکست‌های گذشته و از رهایی از دشمنان آینده بهتر باشد، از بخشش و آزادی و آموزش و قدرت بهتر باشد، از شفای زخم‌های گذشته و از تضمین آینده بهتر باشد.

اگر در این روزهای انتظار میلاد مسیح آرزویی دارید و دلتنگ چیزی هستید که دنیا برآورده نکرده است، چه بسا این دلتنگ بودن هدیه عید میلاد مسیح از طرف خدا باشد که می‌خواهد شما را آماده کند تا ببینید مسیح تسلی و رهاننده است، تا او را آن کسی که واقعاً هست بشناسید و به او ایمان بیاورید. چگونه می‌توان دل را آماده نمود تا مسیح را آن کسی که واقعاً هست بشناسد و به او ایمان بیاورد؟ راه حلش ساده است.

نخست، دل باید از تعریف و تمجید انسان‌ها دلسرد شود. «شما چگونه می‌توانید ایمان آرید و حال آنکه جلال از یکدیگر می‌طلبید و جلالی را که از خدای واحد است طالب نیستید؟» (یوحنا ۵: ۴۴؛ ۷: ۱۷-۱۸).

دوم، دل باید از پول دوستی و در پی کامرانی و کامروایی رفتن دلسرد شود. «و فریسیانی که زردوست بودند همه این سخنان را شنیده، او را استهزا نمودند» (لوقا ۱۶: ۱۴).

سوم، در کنار دلسرد شدن از تعریف و تمجید انسان‌ها و دل‌کندن از قدرت پول، دل باید مشتاق و آرزومند تسلی و رهایی باشد که فراسوی تسلی و رهایی است که این دنیا می‌تواند ارمغان دهد.

چهارم، خدای پدر باید مکاشفه بخشد و چشم دل را روشن نماید تا دل بانگ برآورد، همچون کسی که در مسیر راهش به ناگهان با گنجینه‌ای عجیب و شگفت‌آور روبه‌رو می‌گردد: «تو مسیح هستی. تو پسر خدای زنده هستی. تو تسلی زخم‌ها و دردهای گذشته‌ام هستی. تو رهایی آینده‌ام هستی. اکنون، چشمانم تو را می‌بیند. اکنون، تو را آن کسی که واقعاً هستی می‌شناسم و به تو ایمان می‌آورم.»

باشد که خدا در این روزهایی که به پیشواز میلاد مسیح می‌روید با دل شما چنین کنید. باشد که هدیه شما در این عید میلاد مسیح چنین باد. باشد که در این روزهای انتظار میلاد مسیح هم دل شما و هم دل بسیاری مانند شما به این حقایق گواهی دهند.

## نزد نجات دهنده آید

پس خدای سلامتی، که شبان اعظم گوسفندان یعنی خداوند ما عیسی را به خون عهد ابدی از مردگان برخیزانید، شما را در هر عمل نیکو کامل گرداند تا اراده او را به جا آورید و آنچه منظور نظر او باشد در شما به عمل آورد، به وساطت عیسی مسیح که او را تا ابدالاباد جلال باد. آمین

عبرانیان ۲۰:۱۳-۲۱

آنچه خدا را خشنود می سازد این است که قومش پیوسته و تا ابدالاباد نزدش آیند. از این رو، خدا در ما عمل می نماید تا این مهم را به انجام رساند. به گفته رساله عبرانیان ۲۱:۱۳، خدا «به وساطت عیسی مسیح» این مقصود را به انجام می رساند. منظور این است که عیسی با مرگ خویش بر روی صلیب بهای این فیض را برای ما پرداخت نمود و چون بر روی صلیب جان فدا نمود می تواند به حضور پدر دعا کند و این فیض را برای ما درخواست نماید. به بیان دیگر، وقتی نویسنده رساله عبرانیان می گوید که آمدن نزد خدا ما را واجد شرایط می سازد تا کاهن اعظم ما نجات جاودانه به ما عطا کند، منظورش این نیست که آن کاهن اعظم ما را در فطرت گناه آلود و سرسختی ذاتی مان به حال خودمان رها می کند، گویی می توانیم به قوت و همت خودمان نزد خدا

آییم. کاهن اعظم ما برایمان شفاعت می‌نماید و از پدر می‌خواهد کاری را انجام دهد که عبرانیان ۱۳:۲۱ به آن اشاره می‌نماید - آنچه منظور نظر او باشد در شما به عمل می‌آورد، به وساطت عیسی مسیح.

اکنون، با مثال آوردن از زمانی که کاهن اعظم ما در این دنیا بود، این حقیقت را به شما نشان می‌دهم. در انجیل لوقا ۲۲:۳۱-۳۲، عیسی به پطرس می‌فرماید: «ای شمعون، ای شمعون، اینک شیطان خواست شما را چون گندم غربال کند. لیکن من برای تو دعا کردم تا ایمانت تلف نشود و هنگامی که تو بازگشت کنی، برادران خود را استوار نما.» پس، حتی زمانی که عیسی در این دنیا بود، برای خاصان‌ش شفاعت نمود. عیسی دعا کرد که ایمان پطرس - ایمان ما - از دست نرود.

علاوه بر این، عیسی آن قدر به دعای خود یقین داشت که به پطرس فرمود: «هنگامی که تو بازگشت کنی،» نه اینکه «اگر که بازگشت کنی.» بنابراین، با وجودی که پطرس لغزید و خداوند را انکار کرد، ایمانش را به کل از دست نداد. خداوند به همین منظور برای ما دعا می‌کند. ما به این دلیل امنیت و امید داریم و نجاتمان ایمن است.

چه اتفاقی از این خجسته‌تر که در این روزهای انتظار میلاد مسیح خاطر جمع باشیم که خدا از ما می‌خواهد نزدش رویم؟ چه اتفاقی از این خجسته‌تر که خدای بزرگ و قدوس، که عدالت و غضب از آن او است، می‌فرماید: «به وساطت پسر من، کاهن اعظم شما، نزد من آیید. نزد من آیید. نزد من آیید»؟

در این روزهای انتظار میلاد مسیح، خدا ما را چنین دعوت می‌نماید: «به وساطت کاهن اعظمتان نزد من آیید. به گناهانتان اعتراف نمایید و دعا کنید و تأمل نمایید و توکل کنید و حمد و سپاس گویند و نزد من آیید. نزد من آیید. از شما روی نمی‌گردانم،» چرا که مسیح «قادر است که آنانی را که به

وسیلۀ وی نزد خدا آیند نجاتِ بی‌نهایت بخشند، چون که دائماً زنده است تا شفاعت ایشان را بکند» (عبرانیان ۷: ۲۵).





## عید میلاد مسیح از چه سخن می‌گوید؟

زیرا که پسرانسان نیز نیامده تا مخدوم شود، بلکه تا خدمت کند و تا جان خود را فدای بسیاری کند.

لوقا ۱۰: ۴۵

عید میلاد مسیح از آمدن مسیح به جهان سخن می‌گوید. عید میلاد مسیح دربارهٔ پسر خدا است که از ازل نزد پدر وجود داشت «که فروغ جلالش و خاتم جوهرش بود» و ذات انسان به خود گرفت و انسان گشت (عبرانیان ۱: ۳). عید میلاد مسیح دربارهٔ تولد نوزادی از یک باکره است، نوزادی که نطفه‌اش به طرز معجزه‌آسایی به قدرت روح القدس در رحم باکره شکل گرفت، نوزادی که پسر خدا است، اما نه به آن معنا که من و شما فرزند خدا هستیم، بلکه به معنا و مفهومی کاملاً خاص و بی‌نظیر و بی‌همتا (لوقا ۱: ۳۵).

عید میلاد مسیح دربارهٔ انسانی است به نام عیسی «که در وی، از جهت جسم، تمامی پُری الوهیت ساکن است» (کولسیان ۲: ۹).

عید میلاد مسیح دربارهٔ فرارسیدن زمان مقرر است که انبیای گذشته درباره‌اش نبوت نموده بودند. ایشان نبوت نموده بودند که فرمان‌فرمایی از بیت لحم ظهور خواهد کرد (میکاه ۵: ۲) و کودکی زاده خواهد شد که مشیر شگفت‌آور، خدای

قدیر، پدر جاودانه، و سرور سلامتی نامیده خواهد شد (اشعیا ۹:۶). او که خواهد آمد ماشیح، مسیح موعود، آن یگانه مسح شده است، نهالی از تنهٔ یسا و پسر داوود است. او پادشاه است (اشعیا ۱۱:۴-۱۱؛ زکریا ۹:۹).

به گفتهٔ انجیل مرقس ۱۰:۴۵، عید میلاد مسیح دربارهٔ آمدن پسر انسان است که «نیامده تا مخدوم شود، بلکه تا خدمت کند و تا جان خود را فدای بسیاری کند.» کلام مرقس ۱۰:۴۵، که توصیفی مختصر از معنای میلاد مسیح می‌باشد، همان حقیقتی است که امیدوارم خدا آن را در این روزهایی که به پیشواز میلاد مسیح می‌روید ملکهٔ ذهن و دل شما گرداند.

قلبتان را بگشایید تا بهترین هدیه‌ای را که حتی در صورتان نمی‌گنجد ارمغان گیرید: «عیسی جانش را برای شما فدا نمود و تا ابدیت خدمتگزار شما خواهد بود.» این هدیه را بپذیرید. از گناه و از تکیه به خود روی گردانید. مثل یک کودک شوید. به عیسی مسیح روی آورید. به عیسی مسیح توکل کنید. به عیسی مسیح توکل کنید و زندگی‌تان را به او بسپارید.

## چرا میلاد مسیح از راه رسید

و می‌دانید که او ظاهر شد تا گناهان را بردارد و در وی هیچ گناه نیست  
... از این جهت، پسر خدا ظاهر شد تا اعمال ابلیس را باطل سازد.

اول یوحنا ۳: ۵، ۸

در رسالهٔ اول یوحنا ۱: ۳-۱۰، دو بار به ما گفته می‌شود چرا میلاد مسیح از  
راه رسید، به این معنی که چرا پسر ازلی و الهی خدا در جسم انسان به این  
دنیا آمد؟

در آیهٔ ۵، یوحنا می‌گوید: «می‌دانید که او ظاهر شد تا گناهان را بردارد و در وی  
هیچ گناه نیست.» پس بر عاری از گناه بودن مسیح مُهر تأیید زده می‌شود -  
«در وی هیچ گناه نیست.» دلیل آمدن پسر خدا با قاطعیت اعلام می‌گردد  
- «او ظاهر شد تا گناهان را بردارد.»

سپس یوحنا در بخش دوم آیهٔ ۸ می‌گوید: «از این جهت پسر خدا ظاهر  
شد تا اعمال ابلیس را باطل سازد.» یوحنا بر عبارت «اعمال ابلیس» تأکید  
می‌نماید تا بگوید ابلیس رواج‌دهندهٔ گناه است. در نخستین بخش از آیهٔ ۸  
این حقیقت بیان می‌شود: «و کسی که گناه می‌کند از ابلیس است، زیرا که

ابلیس از ابتدا گناهکار بوده است.» پس اعمال ابلیس که عیسی برای باطل کردنشان آمد اعمال گناه بود.

یوحنا دو بار به ما توضیح می‌دهد که میلاد مسیح از راه رسید - پسر خدا انسان گشت - تا گناهان را بردارد، یعنی اعمال ابلیس - گناه - را باطل کند. عیسی به قدرت روح القدس از یک باکره متولد شد (متی ۱: ۱۸-۲۰) و «در حکمت و قامت و رضامندی نزد خدا و مردم ترقی می‌کرد» (لوقا ۲: ۵۲) و در کل زندگی و خدمتش، تا مرگش، حتی مرگ بر روی صلیب، کاملاً مطیع و بدون گناه بود تا اعمال ابلیس را باطل سازد - تا گناهان را بردارد (فیلیپیان ۲: ۵-۸؛ عبرانیان ۴: ۱۵).

تا گناهان را از میان بردارد. این آیه را به خودتان نسبت دهید و دلتان را از محبت مسیح لبریز نمایید. خودتان را به جای پولس رسول بگذارید و بگویید: «زندگانی که الحال در جسم می‌کنم به ایمان بر پسر خدا می‌کنم که مرا محبت نمود و خود را برای من داد» (غلاطیان ۲: ۲۰). این‌گونه عیسی اعمال ابلیس را باطل می‌سازد و ما را از گناهانمان نجات می‌بخشد. عید میلاد مسیح را به خویش ربط دهید: به گناهتان، به کلنجارتان با شیطان، به پیروزی‌تان. عیسی به همین منظور به جهان آمد.

## در میلاد مسیح، خدا برای خودش شور و شوق دارد

به جهت همین امر تا این ساعت رسیده‌ام. ای پدر، اسم خود را جلال بده!

یوحنا ۱۲:۲۷-۲۸

یکی از مشهورترین صحنه‌های میلاد مسیح در کتاب مقدس صحنه‌ای است که فرشته تولد نجات‌دهنده را به شبانان مژده می‌دهد. کلام خدا می‌فرماید: «در همان حال، فوجی از لشکر آسمانی با فرشته حاضر شده، خدا را تسبیح‌کنان می‌گفتند: خدا را در اعلا علین جلال و بر زمین سلامتی و در میان مردم رضامندی باد» (لوقا ۲: ۱۱-۱۴).

جلال خدا و آرامش انسان. فرشتگان نازل شدند تا حقیقتی را روشن و شفاف گردانند: پسر خدا به جهانی که آفریده است قدم نهاده است تا جلال خدا را هویدا سازد، تا انسان‌ها را با خدا آشتی دهد، تا انسان‌ها دیگر با خدا غریبه نباشد، تا عظمت و بزرگی خدا در نجات انسان‌ها به چشم آید، تا انسان‌ها در خدا شادی نمایند.

از این رو، زمانی که به انجیل یوحنا فصل ۱۲ می‌رسیم، غافلگیر نمی‌شویم که عیسی برای مهم‌ترین لحظه زندگی اش، یعنی مرگ و رستاخیزش، به درگاه پدر

دعا می‌کند. در واقع، خدا با نجات گناهکاران جلال می‌یابد. انجیل یوحنا ۱۲: ۲۷-۳۰ می‌فرماید:

«الان، جان من مضطرب است و چه بگویم؟ ای پدر، مرا از این ساعت رستگار کن. لکن به جهت همین امر تا این ساعت رسیده‌ام. ای پدر، اسم خود را جلال بده! ناگاه، صدایی از آسمان در رسید که جلال دادم و باز جلال خواهم داد. پس گروهی که حاضر بودند این را شنیده، گفتند: رعذ شد! و دیگران گفتند: فرشته‌ای با او تکلم کرد! عیسی در جواب گفت: «این صدا از برای من نیامد، بلکه به جهت شما.»

در آیه ۲۷، عیسی می‌فرماید: «به جهت همین امر تا این ساعت رسیده‌ام.» کدام امر؟ پاسخ: آیه ۲۸: «ای پدر، اسم خود را جلال بده!» به همین دلیل، مرگ عیسی فرا می‌رسید.

پدر دعای عیسی را می‌شنود و پاسخ می‌دهد: «جلال دادم و باز جلال خواهم داد.» به هنگام زنده شدن ایلعازر، خدای پدر به واسطه عیسی جلال یافته بود (یوحنا ۱۱: ۴، ۴۰). حال، با مرگ و رستاخیز عیسی، پدر جلال می‌یافت.

از این نکته غافل نمانید که خدا بر جلال یافتن خویش تأکید دارد. عیسی برای جلال یافتن خدا به درگاه خدا دعا نمود: «ای پدر، اسم خود را جلال بده!» (آیه ۲۸). خدا خودش می‌فرماید: «جلال دادم و باز جلال خواهم داد.» در انجیل لوقا فصل ۲، خدا فرشتگان را می‌فرستد تا همین حقیقت را بیان کنند. خدا خودش در انجیل یوحنا ۱۲: ۲۸ می‌فرماید: «جلال دادم [نام خود را] و باز جلال خواهم داد.»

اصلی‌ترین دلیلی که باید برای جلال خدا زندگی کنیم این است که خدا برای جلال خویش در جنب و جوش است. ما برای جلال خدا شور و شوق داریم، چون خدا برای جلال خویش شور و شوق دارد.

خبر خوش، به ویژه در انجیل یوحنا، این است که جلال خدا پُر از فیض و راستی است. «و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پُر از فیض و راستی، و جلال او را دیدیم، جلالی شایستهٔ پسر یگانهٔ پدر» (یوحنا ۱: ۱۴).  
پرشکوه‌ترین حقیقت دربارهٔ خدا این است که خدا چنان تمام و کمال خودکفا و متکی به خود است که جلال پُری و کمال وجودش در فیض و راستی برای مخلوقاتش لبریز می‌گردد. خدا به ما نیاز ندارد. از این سبب است که از پُری و کمالش به وفور برکت می‌یابیم. چنین فیضی در روزهای عید میلاد مسیح از آن ما است.





## او می آید تا ما را برکت دهد

موسی به اجداد گفت که خداوند خدای شما نبی مثل من از میان برادران شما برای شما برخواهد انگیخت. کلام او را در هرچه به شما تکلم کند بشنوید و هر نفسی که آن نبی را نشنود از قوم منقطع گردد و جمیع انبیا نیز از سموییل و آنانی که بعد از او تکلم کردند از این ایام اخبار نمودند. شما هستید اولاد پیغمبران و آن عهدی که خدا با اجداد ما بست، وقتی که به ابراهیم گفت از ذریت تو جمیع قبایل زمین برکت خواهند یافت، برای شما اولاد خدا بنده خود عیسی را برخیزانیده، فرستاد تا شما را برکت دهد به برگردانیدن هر یکی از شما از گناهانش.

اعمال رسولان ۳: ۲۲-۲۶

از آیات نامبرده می آموزیم که خدا عیسی را به صحنه تاریخ آورد تا انسان ها را برکت دهد. «از ذریت تو جمیع قبایل زمین برکت خواهند یافت.» خدا به پسرش در آسمان فرمود: «زمان موعود فرا رسیده است. من وعده برکت داده ام. اکنون، وقت وفا نمودن به وعده است. تو ایلچی من هستی تا حامل این برکت باشی. می خواهم جهان را برکت دهم. بسیار برکت ها برای جهان دارم. اکنون، رهسپار شو و قوم مرا برکت ده. ایشان را برکت ده. در اصل، به

واسطه قوم من جمیع امت‌های زمین را برکت ده. ایشان را برکت ده. ایشان را  
برکت ده.»

در آیات ۲۵ و ۲۶ مشاهده می‌کنید که این برکت خدا دو بار تکرار می‌گردد. در  
آیه ۲۶، صریح و روشن عنوان می‌شود که خدا عیسی را نزد قوم اسرائیل فرستاد  
تا ایشان را برکت دهد. وقتی گفته می‌شود خدا عیسی را ابتدا برای اسرائیل  
فرستاد، معنایش این است که پس از آن دیگران را هم برکت خواهد داد. آیه  
۲۵ این نکته را روشن می‌سازد که هدف خدا در عهد بستن با ابراهیم این بود:  
«از ذریت تو جمیع قبایل زمین برکت خواهند یافت.» برکت برای یهودیان،  
سپس، از طریق یهودیان، از طریق مسیح موعود که یهودی بود، جمیع مردمان  
برکت می‌یابند، از جمله شما.

پس کلام من برای شما این است که خدا در این روزهایی که به پیشواز میلاد  
مسیح می‌رویم با دست پربرکت به سوی شما می‌آید. آیه ۲۵ به شما اشاره  
دارد. درست است که دو هزار سال سپری گشته است. برای خدا هزار سال  
مثل یک روز است (دوم پطرس ۳: ۸). برای خدا مثل این است که دو روز  
پیش این وعده را داده است. امروز، این برکت برای شما تازه‌تازه است. اگر  
قدم ایمان را بردارید و نزد مسیح آید، برکت می‌یابید. عید میلاد مسیح در  
این باره است - درباره‌ی عالی‌ترین برکت.

## می توان به خدا اعتماد نمود

موسی به اجداد گفت که خداوند خدای شما نبی مثل من از میان برادران شما برای شما برخواهد انگیخت. کلام او را در هرچه به شما تکلم کند بشنوید و هر نفسی که آن نبی را نشنود از قوم منقطع گردد و جمیع انبیا نیز از سموویل و آنانی که بعد از او تکلم کردند از این ایام اخبار نمودند. شما هستید اولاد پیغمبران و آن عهدی که خدا با اجداد ما بست، وقتی که به ابراهیم گفت از ذریت تو جمیع قبایل زمین برکت خواهند یافت، برای شما اولاد خدا بنده خود عیسی را برخیزانیده، فرستاد تا شما را برکت دهد به برگردانیدن هریکی از شما از گناهانش.

اعمال رسولان ۳: ۲۲-۲۶

از این آیات نامبرده می آموزیم برکتی که خدا وعده اش را می دهد راستگویی خدا را برایمان چشمگیر می سازد.

پطرس انبوهی از وعده ها را در اینجا گرد هم می آورد. او در آیه ۲۲ خاطر نشان می سازد که موسی ظهور یک نبی مانند خودش را پیشگویی نمود. در آیه ۲۴، پطرس بیان می کند که سموویل و جمیع انبیای بعد از او از این روزها سخن گفتند، از روزهای آمدن عیسی. به گفته پطرس در آیه ۲۵ خدا درباره این روزها به ابراهیم وعده داد. نکته این است که عیسی با آمدنش بر حقیقت جمیع

این وعده‌ها مُهر تأیید زد. عیسی نشان داد که خدا قابل اعتماد است. خدا بر سر حرفش می‌ماند.

پولس در رسالهٔ رومیان ۸:۱۵ چنین می‌گوید: «مسیح خادم ختنه [یعنی خادم یهودیان] گردید، به جهت راستی خدا، تا وعده‌های اجداد را ثابت گرداند.» پس واضح و روشن است که مسیح آمد تا بر راستگویی خدا گواهی دهد، تا گواهی دهد خدا به وعده‌هایش وفا می‌کند. عید میلاد مسیح به این معنا است که می‌توان به خدا اعتماد نمود.

این بخشی از همان برکتی است که عیسی مسیح به همراه می‌آورد. این بخشی از همان برکتی است که عیسی مسیح در این روزهای انتظار میلادش به شما هدیه می‌دهد. این یک برکت است، چون دقیقاً در فقدان این برکت است که حیات روحانی و اخلاقی فرو می‌ریزد و متلاشی می‌گردد. راستگویی خدا شالوده و زیربنای یک زندگی پایبند به اصول اخلاقی است. جامعه‌ای که کانون توجه خود را بر راستگویی مطلق خدا قرار نمی‌دهد و از این صفت خدا روی برمی‌گرداند، در اصل، از شالوده و زیربنای حقیقت و شالوده و زیربنای اصول اخلاقی و شالوده و زیربنای زیبایی‌ها روی می‌گرداند.

عید میلاد مسیح تأکیدی دوباره است بر شالوده و زیربنای حقیقت و نیکویی و زیبایی، چرا که معنای میلاد مسیح این است: خدا راستگو و حق است. در دنیایی سرشار از بی‌ثباتی‌ها و ناپایداری‌ها، راستگویی خدا حقیقتی همواره ثابت و پایرجا است. راستگویی خدا حقیقتِ مطلق پایدار و بی‌چون و چرا است. وقتی به راستگویی خدا پشت می‌کنیم، گویی لنگر را از آب خارج می‌کنیم، سکان را رها می‌کنیم، تیرک کشتی را می‌شکنیم و کشتی زندگی مان (سیاسی، اجتماعی، تحصیلی، علمی، خانوادگی) را به دست باد و طوفان آرزوهای انسان می‌سپاریم.

پس از صمیم قلبم می‌گویم که راستگوبودن خدا و حق بودن خدا را نشان دادن برکتی عالی است. این برکت را به فرزندان‌تان هدیه دهید. نسل به نسل گویند و باز گویند خدا راستگواست. خدا بر سر حرفش می‌ماند. خدا دروغ نمی‌گوید. می‌توان به خدا اعتماد نمود. این یکی از برکت‌های عید میلاد مسیح است. این هدیه بی‌نظیر عید میلاد را پذیرا شوید و تا جایی که می‌توانید آن را به دیگران هدیه دهید.



## چرا پسرانسان؟

آمین، آمین، به شما می‌گویم که از کنون آسمان را گشاده و فرشتگان خدا را که بر پسرانسان صعود و نزول می‌کنند خواهید دید.

یوحنا ۱:۵۱

چرا در آیه ۵۱ و در سایر آیات انجیل عیسی پسرانسان نامیده می‌شود؟ دلیلش از همه نظر به این روزهایی که به پیشواز میلاد مسیح می‌رویم و به تولدش ربط دارد.

عیسی صرفاً از آن جهت که در جسم انسان به جهان آمد پسرانسان نامیده نمی‌شود. دلیل پسرانسان نامیده شدن عیسی این است که آن شخصی که کتاب دانیال ۷:۱۳ او را «پسرانسان» می‌نامد هم انسان است و هم فراتر از انسان. «پسرانسان» لقب مورد علاقه عیسی بود هنگامی که به خودش اشاره می‌نمود. این لقبی است که بیش از هشتاد بار در انجیل‌ها و فقط از زبان عیسی در اشاره به خودش به کار رفته است.

عیسی لقب «پسرانسان» را از کتاب دانیال ۷:۱۳-۱۴ نقل قول می‌آورد:

و در رویای شب نگریستم  
و اینک مثل پسرانسان با ابرهای آسمان آمد

و نزد قدیم‌الایام رسید  
 و او را به حضور وی آوردند  
 و سلطنت و جلال و ملکوت به او داده شد  
 تا جمیع قوم‌ها و امت‌ها و زبان‌ها او را خدمت نمایند.  
 سلطنت او سلطنت جاودانی و بی‌زوال است  
 و ملکوت او زایل نخواهد شد.

این آیات از پادشاهی و جلال و اقتدار سخن می‌گویند (یوحنا ۳: ۱۳؛ ۲۷: ۵؛ ۶۲: ۶). در مقایسه با لقب «پسر خدا» و «پادشاه اسراییل»، لقب «پسر انسان» در گوش شنوندگان طنین و بازتابی متفاوت دارد. «پسر انسان» لقبی فروتنانه و معمولی به نظر می‌رسد. از این‌رو، وقتی عیسی خودش را با این لقب خطاب می‌نمود، ادعای پادشاهی و جلال و اقتدارش چندان به چشم نمی‌آمد. فقط کسانی که گوش شنوا داشتند، هنگامی که عیسی خود را پسر انسان خطاب می‌نمود، معنای رفیع و والای آن را درک می‌کردند.

این بار، رهبران مذهبی یهود نبودند که عیسی را با این لقب خطاب کردند تا او را بر صلیب می‌خکوب کنند. عیسی خودش این لقب را در اشاره به صلیب به کار برد. آیه کلیدی در انجیل یوحنا ۳: ۱۴-۱۵ این است: «و همچنان که موسی ما را در بیابان بلند نمود، همچنین پسر انسان نیز باید بلند کرده شود تا هر که به او ایمان آرد هلاک نگردد، بلکه حیات جاودانی یابد.»

پس عظیم‌ترین جلالی که ناتانائیل و من و شما می‌توانیم مشاهده کنیم جلال پسر انسان، خداوند آسمان، است. آن یگانه کسی که سلطنتش جاودانی است بر صلیب می‌خکوب شد تا برای گناهکاران جان دهد.

بنابراین، در این عید میلاد مسیح، زمانی که عیسی را پسر خدا و پادشاه اسراییل و پسر انسان خطاب می‌کنید، بدانید که او جان خود را فدا نمود تا شما را حیات جاودانی بخشد. پس عیسی را در جلال و ابهتش بنگرید.



## میلاذ مسیح روی داد تا چه چیز را باطل گرداند؟

از این جهت، پسر خدا ظاهر شد تا اعمال ابلیس را باطل سازد.

اول یوحنا ۳: ۸

آمدن پسر ازلی و ابدی خدا به جهان، یعنی به دنیا آمدن عیسی مسیح که هم خدا بود و هم انسان، یک واقعیت تاریخی است. هزاران نفر مدعی هستند که این واقعیت تاریخی را باور دارند، اما زندگی شان با زندگی مردمی که این واقعیت را باور ندارند فرقی ندارد. آنها دایم دلهره دارند که مبادا عمر خوشی و آرامش در زندگی شان کوتاه باشد و عمر مصیبت و بدبختی بلند و ماندگار. بدیهی است که حتی اگر در پرسش نامه های مذهبی به پرسش درباره واقعیت های تاریخی پاسخ صحیح دهیم، آن پاسخ صحیح قدرتی برای تغییر دل ندارد.

به همین دلیل است که آمدن پسر خدا به این جهان فراتر از یک واقعیت تاریخی است. آمدن عیسی مسیح به این جهان پیام امیدبخش است، پیام امیدبخش از جانب خدا است به همه: به نوجوانان، به خانواده های تک سرپرست، به شوهران بدخُلُق، به همسران اوقات تلخ، به بانوانی که

اضافه وزن دارند، به آقایانی که ناتوانی جنسی دارند، به همسایگانی که معلول هستند، به کسانی که به همجنس خود میل جنسی دارند، به واعظان، به عاشقان - و به شما.

نظر به اینکه پسر خدا بر این کره خاکی زندگی نمود و جان داد و از مردگان قیام کرد و اکنون سلطنت می نماید و روزی بازمی گردد، پیغامی که خدا به واسطه مسیح برای ما به ارمغان می آورد فراتر از یک واقعیت تاریخی است. این است هدیه میلاد مسیح از جانب خدای زنده به شما.

خداوند می فرماید: میلاد مسیح به این معنا است که آنچه برایتان عزیز و باارزش است از دست نمی رود. میلاد مسیح به این معنا است که قرار نیست عمر خوشی و آرامش در زندگی تان کوتاه باشد و عمر مصیبت و بدبختی بلند و ماندگار. شاید آرام و قرار ندارید که مبادا همان اندک شادی و خوشحالی که لبخند بر لبتان می آورد هم از دست برود و هرآنچه به آن دل خوش داشته اید در چشم برهم زدن ناپدید شود. شاید نگران هستید که مصیبت ها و بدبختی ها و هرآنچه از آن بیزارید در زندگی تان جا خوش کرده باشند و زندگی هرگز به شما روی خوش نشان ندهد. میلاد مسیح روی داد تا این ترس ها و نگرانی ها و پریشان حالی ها را نابود گرداند.

پیام امیدبخش خدا در روزهایی که به پیشواز میلاد مسیح می روید این است که قرار نیست عمر خوشی و آرامش در زندگی تان کوتاه باشد و عمر مصیبت و بدبختی بلند و ماندگار. کار ابلیس این است که خوبی ها را نابود کند و بدبختی بیاورد. اما عیسی آمد تا اعمال ابلیس را باطل سازد.

یازدهم دسامبر

## جشن محبت خدا

زیرا خدا جهان را این قدر محبت نمود که پسرگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاودانی یابد.

یوحنا ۳: ۱۶

در انجیل یوحنا ۳: ۱۶، عیسی به ما می آموزد خدا خدایی است که محبت می ورزد. باشد که در این حقیقت غوطه ور شویم. خدا، که وجودش مطلق و بی چون و چرا است، خدایی است که دوست دارد، خدایی است که سرشار از محبت است. از میان همه صفتهای خدا و از میان همه ویژگیهایی که درباره خدا بیان می کنید، فراموش نکنید این را اعلام نمایید که خدا خدایی است که محبت می ورزد.

نویسنده انجیل یوحنا ۳: ۱۶ در رساله اول یوحنا ۴: ۸ می نویسد: «خدا محبت است.» دست کم، برداشت من از این آیه چنین است: ذات و جوهر وجود خدا عطای خوبی و نیکویی است و قدم برداشتن در مسیر خیریت و سعادت انسان ها، نه اینکه بخواهد از انسان ها نفعی ببرد یا بخواهد انسان ها خدمتش کنند. خدا بی نیاز است. اما می خواهد نیازها را برطرف کند. خدا سخاوتمند است. خدا محبت است.

عیسی منظورش از واژه «محبت» در یوحنا ۳: ۱۶ را مشخص تر بیان می فرماید: «خدا جهان را این قدر محبت نمود . . .» واژه «این قدر» به میزان محبت اشاره ندارد، بلکه به طریق محبت نمودن اشاره می کند. منظور عیسی این نیست که خدا بسیار بسیار محبت نمود، بلکه خدا به این شکل محبت نمود. «خدا این قدر محبت نمود» یعنی «خدا به این طریق محبت نمود.»

به کدام طریق؟ چگونه خدا محبت نمود؟ خدا این گونه محبت نمود که «پسریگانه خود را داد.» ما به خوبی می دانیم که این دادن و بخشیدن تاروی گرداندن از عیسی و تا مرگ عیسی پیش رفت. «به نزد خاصان خود آمد و خاصان او را نپذیرفتند» (یوحنا ۱: ۱۱). در عوض، او را کشتند. عیسی درباره همه این وقایع فرمود: «من بر روی زمین تو [پدر] را جلال دادم و کاری را که به من سپردی تا بکنم به کمال رسانیدم» (یوحنا ۱۷: ۴). پس، وقتی پدر پسر یگانه خویش را داد، او را برای جان فدا کردن داد.

این آن محبتی است که پدر دارد. این محبت محبتی سخاوتمند است. این محبت محبتی است که عزیزترین خود را می بخشد - پسرش را می بخشد. در این روزهایی که به پیشواز میلاد مسیح می رویم، بر این حقیقت تأمل نماییم. این محبت بهایی گران داشت. این محبت محبتی بسیار نیرومند بود. این محبت محبتی بسیار دردناک و ناملازم بود. عید میلاد مسیح یعنی جشن این محبت. «خدا جهان را این قدر محبت نمود . . .» و واشگفتا که خدا این محبت گران را به انبوهی از گناهکاران نالایق، گناهکاران نالایقی چون ما، ابراز می نماید.

## جلال کلمه جسم گردید

در ابتدا، کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود.

یوحنا ۱:۱

همیشه هستند مرددان و کوتاه‌فکرانی که در مقابل سرنهفته در این دو عبارت قد علم می‌کنند: «کلمه نزد خدا بود» و «کلمه خدا بود.» این افراد که برده خرد و بینش انسانی‌شان هستند ادعا می‌کنند که ممکن نیست هر دو عبارت صحیح باشد. عیسی یا خدا بود یا نزد خدا بود. اگر عیسی نزد خدا بود، پس خدا نبود. اگر عیسی خدا بود، پس نزد خدا نبود. از این‌رو، برای فرار از حقیقت این دو جمله، گاه، ترجمه را تغییر می‌دهند. اما آنچه از آیه مورد نظر می‌آموزیم این است که عیسی مسیح، پیش از آنکه جسم گردد، خدا بود و پدر نیز خدا بود. یک خدا در سه شخص وجود دارد و این همان حقیقتی است که آن را تثلیث می‌نامیم. به همین دلیل است که عیسی مسیح را می‌پرستیم و همراه با توما در انجیل یوحنا ۲۸:۲۰ می‌گوییم: «ای خداوند من و ای خدای من!» یوحنا ۱:۱: «در ابتدا، کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود.»

چرا عیسی «کلمه» نامیده می‌شود؟ یک پاسخ این است: به این بیندیشیم که عیسی چه می‌توانست نامیده شود و چرا هرچه نامیده می‌شد، در مقایسه با «کلمه»، واژه‌ای نابسند می‌بود؟

برای نمونه، عیسی می‌توانست «کردار» نامیده شود. یکی از تفاوت‌های کردار و کلمه این است که کردار چندان واضح و روشن نیست. اگر تصور می‌کنیم گاه کلامان مبهم است و می‌توان برداشت‌های مختلفی از آن نمود، چقدر بیشتر، کردار ما می‌تواند مبهم باشد. به این دلیل است که اغلب منظورمان را با کلمات توضیح می‌دهیم. کلمات، گویاتر و واضح‌تر از رفتار و کردار، معنا و مفهوم کارهایمان را بیان می‌کنند. خدا اعمال بس قدرتمندی را در تاریخ به ظهور رساند، اما ارجحیت را به کلام بخشید. به گمانم، یک دلیلش این است که برقراری ارتباط و گفت و شنود و شفافیت برای خدا بسیار ارزش و اهمیت دارد.

مثال دیگر این است که یوحنا می‌توانست عیسی را «پندار» بنامد. در ابتدا، پندار بود. اما یکی از تفاوت‌های پندار و کلمه این است که کلمه، به طور معمول، وسیله‌ای است برای ایجاد ارتباط از سوی پندارنده. به گمانم، یوحنا می‌خواست ما به این درک برسیم که پسر خدا با پدر در مشارکت بوده است و در تاریخ ظهور نمود تا وسیلهٔ ارتباط خدا با ما باشد.

و سومین مثال این است که یوحنا می‌توانست عیسی را «احساس» بنامد. در ابتدا، احساس بود. اما همچنان بر این باورم که احساسات نمی‌توانند معنا و مفهوم و مقصود را روشن و شفاف بیان کنند. احساسات نیز مانند کردار مبهم هستند و لازم است که با کلمات توضیح داده شوند.

پس به نظرم یوحنا با «کلمه» نامیدن عیسی قصد داشته است بر این نکته تأکید ورزد که پسر خدا عامل ارتباط می‌باشد. ابتدا و مهم‌تر از هر چیز این

است که پسر خدا از ازل و پیش از هر چیز دیگر همواره وجود داشته و با پدر در مشارکت بوده است. دلیل دوم، که بی‌نهایت برای ما مهم می‌باشد، این است که پسر خدا وسیلهٔ ارتباط خدا با ما گشت. شاید بتوان «کلمه» نامیده شدن عیسی را چنین خلاصه نمود و چنین گفت که خدا خودش را در عیسی مکتشف می‌نماید، خدا خودش را در عیسی به ما مکتشف می‌نماید.





## میلاد مسیح تاریخ را دونیمه کرد

و جمیع انبیا نیز از سمویل و آنانی که بعد از او تکلم کردند از این ایام  
اخبار نمودند.

اعمال رسولان ۲۴:۳

در خصوص درک آنچه کتاب مقدس درباره نبوت‌ها و تحقق نبوت‌ها تعلیم می‌دهد نکته بسیار مهمی وجود دارد که باید با دقت به آن توجه نمود. وقتی به معنای نبوت می‌اندیشیم، معمولاً رویدادی که قرار است در آینده به وقوع پیوندد به ذهنمان می‌آید یا به آنچه در حال حاضر در آستانه وقوع در جهان است چشم می‌دوزیم. اما این نکته را به راحتی فراموش می‌کنیم که آنچه برای ما گذشته به حساب می‌آید برای انبیا آینده محسوب می‌گشت. باید به یاد داشته باشیم که با آمدن عیسی مسیح به جهان تحقق روزهایی که انبیا اعلام نموده و نبوت کرده بودند آغاز گشت. از همان نخستین عید میلاد مسیح، ما به روزهای نبوت شده قدم نهاده‌ایم. آن «روزهای آخر» که انبیا پیشگویی نمودند از قرن بیست و یکم آغاز نگشتند. آن «روزهای آخر» از اولین روز میلاد مسیح آغاز گشتند.

این شهادت ثابت و یکپارچه عهد جدید است. پولس در رسالهٔ اول قرنتیان ۱۱:۱۰ عنوان می‌کند که رویدادهای عهدعتیق «به طور مَثَل بدیشان واقع شد و برای تنبیه ما مکتوب گردید که اواخر عالم به ما رسیده است.» برای پولس، دو هزار سال بعد، یعنی قرن بیست و یکم، زمان‌های آخر به حساب نمی‌آمد. خیر. در همان قرن اول میلادی، آغازِ انتها فرار رسید. مسیح موعود، که از دیرباز در انتظارش بودند، آمده بود. نویسندهٔ رسالهٔ عبرانیان ۱:۱-۲ می‌گوید: «خدا که در زمان سَلَف به اقسام متعدد و طریق‌های مختلف به وساطت انبیا به پدران ما تکلم نمود، در این ایام آخر، به ما به وساطت پسر خود متکلم شد.» آن هنگام که خدا پسر خود را به جهان فرستاد، روزهای آخر آغاز گشتند. چه افتخار بزرگی است که در روزهای آخر به سر می‌بریم، زیرا یوئیل چنین نبوت نمود: در روزهای آخر، خدا روح خود را بر همگان خواهد ریخت (یوئیل ۲:۲۸). همهٔ انبیا چشم انتظار روزی بودند که مسیح موعود، پسر داوود، پادشاه اسرائیل، از راه برسد، چرا که روز آمدن او روز برکتی عظیم برای قوم خدا بود. حال، مسیح موعود آمده است، ملکوتش آغاز گشته است و ما در دوران تحقق این نبوت روزگار می‌گذرانیم.

آنچه با بازگشت مسیح انتظارش را می‌کشیم اتفاقی کاملاً تازه نیست، بلکه به کمال رسیدن برکت‌هایی است که هم‌اکنون از آنها بهره‌مند هستیم، زیرا وعده‌ها در دوران حیات ما در حال تحقق یافتن هستند.

میلاد مسیح تاریخ را دو نیمه کرد: عصر وعده و عصر تحقق یافتن وعده. پس، وقتی پطرس در کتاب اعمال رسولان ۳:۲۴ می‌گوید: «جمیع انبیا . . . از این ایام اخبار نمودند،» می‌دانیم منظورش «این ایام آخر» است (عبرانیان ۲:۱) که خدا به واسطهٔ پسرش با ما سخن گفته است، یعنی روزهایی که از

نخستین عید میلاد مسیح آغاز گشته‌اند و تا به کمال رسیدنشان در آینده ادامه می‌یابند.

اکنون، در مقطعی از تاریخ به سر می‌بریم که وعده‌ها و نبوت‌های بسیار عظیم به انجام رسیده‌اند: جسم گشتن، مصلوب شدن، کفاره نمودن، فرو نشانیدن، غضب، قیام نمودن از مردگان، صعود کردن، سلطنت نمودن در آسمان، شفاعت کردن، نازل نمودن روح القدس، مأموریت جهانی، گردآوری امت‌ها، کلیسا، کلام خدا در عهد جدید، دعا در نام عیسی، شادی وصف ناپذیر، اطمینان خاطر از نجات.

اما رویدادهایی که هنوز در انتظار آمدنشان هستیم رویدادهایی واقعی و بس شگفت‌انگیزند: بازگشت مسیح، رستاخیز مردگان، بدن‌های تازه و جلال یافته، پایان گناه، جلال یافتن، داوری جمیع بی‌ایمانان، پاداش گرفتن، ورود به شادی آن سرور، آسمان جدید و زمین جدید، حضور عیسی در میان قومش و ملاقات رودر رو با او، پایان همه مصیبت‌ها، آغاز خوشحالی و خوشی و خرسندی تا ابدالابد.

میلاد مسیح تاریخ را دو نیمه کرد. از همین حالا، می‌توانیم آینده را به وفور مزه مزه نماییم، از آنچه عیسی برایمان تدارک دیده است به فراوانی بنوشیم و به آینده‌ای که در راه است بس امیدوار باشیم.



## رحمتی که مسیح وعده‌اش را می‌دهد

زیرا می‌گویم عیسی مسیح خادم ختنه‌گردید به جهت راستی خدا تا وعده‌های اجداد را ثابت گرداند و تا امت‌ها خدا را تمجید نمایند، به سبب رحمت او.

رومیان ۸:۱۵-۹

هدیه‌های خدا آن قدر ارزشمندند که توصیف آنها در کلام نمی‌گنجد. تا ابد، در وصف آن هدیه‌ها سرود ستایش خواهیم خواند. اما حتی هدف و مقصود ارزشمندترین هدیه‌ها به خودشان ختم نمی‌گردد. همه هدیه‌ها به خدا ختم می‌شوند. در نهایت، خدا هدف همه هدیه‌های خویش است. برای نمونه، آموزش گناهان را در نظر بگیریم. زمانی که عیسی به ما خدمت نمود و برای ما فدیة گشت، لعنت شریعت را برداشت و خطر مجازات شدن را از جمیع ایماندارانش دور نمود. اما به چه هدفی؟ به این هدف که ما بدون ترس از مجازات شدن از گناه کردن لذت ببریم؟ خیر، به این هدف که تا ابدیت از خدا حظّ ببریم! آموزش گناهان از این جهت با ارزش است که ما را به وطن، نزد خدا، می‌برد.

چرا همه می خواهند آرمزیده شوند؟ اگر پاسختان این است که جسمتان آرام گیرد و خودتان آسوده باشید یا فقط از جهنم بگریزید یا دلتان غرق خوشی و نشاط بیشتر گردد، بدانید که با این انگیزه‌ها خدا را حرمت نمی‌نهیید. رسالهٔ رومیان ۹:۱۵ می‌فرماید هدف از خدمت مسیح به ما این است که «امت‌ها خدا را تمجید نمایند، به سبب رحمت او.» ولی، اگر از رحمت خدا سوءاستفاده کنیم و آن را مجوزی برای لذت بردن از گناه یا حتی لذت بردن از کارها و فعالیت‌هایی بدانیم که در ذات خود گناه به حساب نمی‌آیند، خدا را جلال نمی‌دهیم. خدا زمانی جلال می‌یابد که رحمتش ما را از بند آزاد می‌گرداند تا خود خدا را بهترین هدیهٔ رحمتش بدانیم، تا از وجود هیچ شخص دیگری در جهان به اندازهٔ خود خدا لذت نبریم.

برای ما چه سعادت‌ی از این بالاتر که مسیح به نمایندگی از حقیقت خدا به جهان آمد؟ چرا که مسیح، خودش، اصل و اساس رحمتی است که وعده‌اش را می‌دهد.

برای ما چه سعادت‌ی از این بالاتر که مسیح به نمایندگی از حقیقت خدا به جهان آمد؟ چرا که آمدنش نشان می‌دهد خدا با خودش صادق است و بر سر حرفش می‌ماند. عیسی بر وعده‌های خدا مَهر تأیید می‌زند، وعده‌هایی که وعده‌های رحمتند. عیسی نشان می‌دهد خودش اصل و اساس رحمتی است که وعده‌اش را می‌دهد.

این است معنای آمدن مسیح. این است معنای میلاد مسیح. باشد که خدا دل شمای گناهکار را از خواب غفلت بیدار گرداند تا نیاز عمیق‌تان را به رحمت خدا احساس کنید. باشد که خدا دلتان را با حضور آن منجی پر عظمت، عیسی مسیح، غرق شادی نماید. باشد که خدا دهانتان را به حمد و ستایش خویش بگشاید و دستانتان را برافرازد تا رحمتش در شما بدرخشد.

## گنجینه حقیقی ما

و چون ستاره را دیدند، بی نهایت، شاد و خوشحال گشتند.

متی ۲:۱۰

پرستش عیسی مسیح به این معنا است که جانفشانانه به او هدیه تقدیم نماییم و در این تقدیم جانفشانانه، با دلی لبریز از شادی، تصدیق نماییم او بزرگ منش است و او دارای شأن و منزلت است و هر آنچه اقتدار و اختیار است متعلق به او است. ما این صفت‌ها و ویژگی‌ها را به شخصیت مسیح اضافه نمی‌کنیم، بلکه آنها را ذاتاً متعلق به وجودش می‌دانیم. خدا از دست مردم خدمت کرده نمی‌شود که گویا محتاج چیزی باشد (اعمال رسولان ۱۷:۲۵).

از این رو، هدیه مجوسیان به این معنا نبود که قصد داشتند به عیسی دست یاری دهند یا نیازش را برآورده کنند. چه بی احترامی قابل توجهی به پادشاه به حساب می‌آمد اگر که از دور و نزدیک به دیدار پادشاه می‌آمدند و هدیه‌های ناچیز و بی‌قیمتی تقدیمش می‌کردند. آن هدیه‌ها رشوه نبودند. خدا در کتاب تثنیه ۱۰:۱۷ می‌فرماید او رشوه نمی‌گیرد.

پس آن هدیه‌ها چه مفهومی داشتند؟ چگونه مجوسیان با هدیه‌هایشان مسیح را پرستش نمودند؟ هدیه‌ها دل را برای مسیح به شور و شوق و تب و تاب می‌آورند. این دقیقاً اتفاقی است که با روزه گرفتن در دلمان رخ می‌دهد. وقتی به این شکل به مسیح هدیه می‌دهید، انگار به او می‌گویید:

من به این دل نبسته‌ام که از تو برکت بگیرم و ثروتمند شوم. شادی من این نیست. من به خاطر برکت‌های مادی یا برآورده شدن خواسته‌هایم نزد تو نیامده‌ام. من برای خودت نزدت آمده‌ام. به تو هدیه می‌دهم تا اشتیاقم را به تو شدت بخشم، تا نشان دهم که دلم می‌خواهد از وجود خودت حظ ببرم، نه از چیزهایی که به من می‌بخشی. به تو هدیه‌ای می‌دهم که از آن بی‌نیاز هستی، اما من از این هدیه دادن مسرور می‌شوم و مشتاق تو و صادقانه‌ترند! سرمی‌دهم: «تو گنجینه من هستی. تو برایم عزیزترین هستی، نه چیزهایی که از دست تو می‌گیرم.»

این است مفهوم پرستش خدا با هدیه طلا و کُندر و مَرّ. باشد که خدا با بیان این حقایق آتش اشتیاق برای مسیح را در دلمان برافروزد. باشد که از صمیم قلب بگوییم:

خداوند عیسی، تو مسیح موعود هستی، تو پادشاه اسرائیل هستی. همه ملت‌ها در مقابل تو زانو خواهند زد. خدا بر جهان سلطنت خواهد کرد تا همه به چشم بنگرند این تو هستی که پرستش می‌شوی، این تو هستی که همه در مقابلت سجده می‌کنند. پس مهم نیست چه کسانی برای مخالفت با من قد علم کنند. در هر صورت، با دلی لبریز از شادی تصدیق می‌نمایم که تو بزرگ‌منش هستی و تو دارای شأن و منزلت هستی و هر آنچه اقتدار و اختیار است متعلق به تو است. هدیه‌ام را تقدیمت می‌کنم تا اعلام



نمایم که فقط تومی توانی دلم را سیراب گردانی، نه چیزهایی که از دست  
تومی گیرم.



## آزاد گشتیم تا عضو خانواده خدا گردیم

زیرا که پسرانسان نیز نیامده تا مخدوم شود، بلکه تا خدمت کند و تا جان خود را فدای بسیاری کند.

مرقس ۱۰: ۴۵

چون خودمان را به گناه فروخته ایم و با خدای قدوس غریبه گشته ایم، باید که بهای آزادی مان از اسارت گناه پرداخت شود. وقتی عیسی جان خود را فدا کرد و بهای آزادی ما را پرداخت، اربابانی که ما را به بردگی گرفته بودند، یعنی گناه و مرگ و شیطان، حق مالکیت خود را بر ما از دست دادند. در نتیجه، این امکان برای ما فراهم گشت که در خانواده خدا به فرزندخواندگی پذیرفته شویم.

در رساله غلاطیان ۴: ۴-۵، پولس این حقیقت را چنین توضیح می دهد: «لیکن، چون زمان به کمال رسید، خدا پسر خود را فرستاد که از زن زاییده شد و زیر شریعت متولد، تا آنانی را که زیر شریعت باشند فدیة کند، تا آنکه پسرخواندگی را بیابیم.» به بیان دیگر، زمانی که باز خرید شدیم و بهای رهایی مان پرداخت گشت، آزاد شدیم تا بتوانیم عضو خانواده خدا گردیم. ما

شتابان و دوان دوان خود را تقدیم بازار برده فروشان کرده بودیم. اما خدا بهای آزادی مان را پرداخت، ما را از بازار برده فروشان باز خرید نمود و به خانه پدر آورد. اما، برای پرداخت بهای این باز خرید، باید پسر خدا انسان می شد تا بتواند به جای ما رنج و عذاب کشد و جان خود را فدا کند. این است مفهوم میلاد مسیح. رسالهٔ عبرانیان ۱۴:۲ می فرماید: «پس، چون فرزندان در خون و جسم شراکت دارند، او نیز همچنان در این هر دو شریک شد تا به وساطت موت صاحب قدرت موت را تباه سازد.»

به عبارت دیگر، دلیل اینکه عیسی جسم گردید و مانند ما کاملاً انسان گشت این بود که بتواند طعم مرگ را بچشد، با مرگش فدیة را پرداخت نماید و ما را از قدرت مرگ آزاد گرداند، تا ما را آزاد گرداند که بتوانیم عضو خانواده اش شویم. این فدیة برای ایجاد رابطه بود، رابطهٔ شما با خدا، با پدر رحیم و مهربانتان.

## او آمد تا خدمت کند

هر که خواهد مُقدم بر شما شود غلام همه باشد.

مرقس ۱۰: ۴۴

عیسی انتظار دارد رفتار و کردار شاگردانش از اساس و بنیان با رفتار و کردار سایر مردم متفاوت باشد. شاگردان عیسی باید هم یکدیگر و هم غیرایمانداران را خدمت کنند. در این خدمت نمودن، باید از پیاله رنج و زحمت، به هر قیمتی که باشد، بنوشند و بدانند و آگاه باشند که خدمت نمودن بها دارد. ولی، اگر پیغام مسیحیت فقط همین بود، اصلاً مسیحیت خبر خوش نبود. اصلاً، مژده انجیل معنا نداشت. پیغام انجیل باید حاوی حقایقی بیشتر از این باشد تا به من بیاموزد باید چکار کنم و چه کسی باشم. برای آنکه بدانم چکار کنم و چه کسی باشم به کمک احتیاج دارم. به همین دلیل، عیسی در انجیل مرقس ۱۰: ۴۵ می فرماید: «پسرانسان نیز نیامده تا مخدوم شود، بلکه تا خدمت کند.» چه اشتباه سهمگینی مرتکب می شویم اگر کلام عیسی را در آیه ۴۴، که فراخوانی است برای خدمت به همه، بشنویم و گمان ببریم که منظور عیسی خدمت کردن به خودش است.

اصلاً، منظور عیسی این نیست.

عیسی از ما می‌خواهد یاد بگیریم که چگونه او ما را خدمت نماید. از این نکته غافل نمانید. این نکته جان کلام مسیحیت است. همین حقیقت است که ایمان ما را از سایر مذاهب متمایز می‌سازد. خدای ما به خدمت ما نیاز ندارد. او جلال نمی‌یابد اگر یک سری مستخدم دست به سینه آماده خدمت به او باشند. خدای ما آن قدر کامل است و آن قدر خودکفا است و آن قدر از قدرت و حیات و شادی لبریز است که خودش با خدمت نمودن به ما جلال می‌یابد. خدمت خدا به ما این‌گونه بود که جسم گردید و انسان گشت و به جستجوی ما آمد و فرمود که نیامده است تا ما به او خدمت کنیم، بلکه تا او ما را خدمت نماید.

در این حقیقت تأمل نمایید و باورش کنید: هر بار عیسی به ما حکمی می‌دهد که باید انجامش دهیم، در واقع، به ما می‌گوید که به این طریق می‌خواهد ما را خدمت نماید. این نکته را به شکل دیگری بیان می‌کنم: مسیر اطاعت مسیری است که مسیح، در مقام خدمتگزار ما، در آنجا با ما ملاقات می‌کند تا بارهای ما را بردوش گیرد و قدرتش را به ما عطا نماید.

وقتی مسیحی می‌شوید، یعنی وقتی شاگرد عیسی می‌شوید، مددکار عیسی نمی‌گردید. عیسی مددکار شما می‌گردد. شما برای عیسی بانی خیر نمی‌شوید. عیسی برای شما بانی خیر می‌شود. شما خادم عیسی نمی‌گردید. عیسی خادم شما می‌گردد. عیسی به کمک شما نیاز ندارد. عیسی از شما اطاعت می‌طلبد و شما را در این مسیر مدد می‌نماید.

این است معنای میلاد مسیح: او آمد خدمت کند، نه خدمت شود. او آمد ما را مدد کند تا هر آنچه ما را به انجامش فرا می‌خواند انجام دهیم.

## نرم و ملایم، دل زده شوید

خدا [مسیح] را از قبل معین کرد . . . تا آنکه عدالت خود را ظاهر سازد . . . تا او عادل شود و عادل شمارد هر کسی را که به عیسی ایمان آورد.

رومیان ۳: ۲۵-۲۶

شرح ایمان آوردن مارتین لوتر گویای نکته شایان توجهی است. در هنگامه دست و پنجه نرم کردن با طوفان و صاعقه، او با خدا عهد بست اگر از آن حادثه جان سالم به در برد، راهب صومعه گردد. او راهب گشت، اما اصلاً نتوانست آن طور که دلش می خواست با خدا به صلح و آرامش برسد. او به هر طریق و مرام و مسلکی که کلیسای آن روزگار به وی تعلیم می داد در جستجوی خدا بود. اعمال نیکو به جا می آورد، به درگاه قدیسان دعای توسل می خواند، بی وقفه به گناهانش اعتراف می نمود، بی وقفه طلب آموزش می کرد، در تلاش بود طی طریق نماید و پله های رستگاری را بالا رود. در کنار همه این تلاش ها و تکاپوها، مارتین لوتر را برکسی استادی دانشگاه هم نشانده بودند تا کتاب مقدس را مطالعه و تدریس نماید.

به کشف و شهودی که بعدها مارتین لوتر به آن رسید توجه کنید. چگونه او آماده گشت تا چشمانش به هویت و شخصیت واقعی مسیح گشوده شوند و به او ایمان آورد؟

واقعاً، دلم می‌خواست رسالهٔ پولس به رومیان را درک نمایم. اما یک عبارت سرراهم ایستاده بود و آن هم «عدالت خدا» بود. عدالت خدا برایم این معنا را داشت که خدا عادل است و گناهکار را عادلانه مجازات می‌کند. من در این موقعیت به سرمی‌بردم: هرچند راهبی پاک و مُنزه بودم، در پیشگاه خدا گناهکاری به حساب می‌آمدم که وجدانم آسوده نبود و اصلاً مطمئن نبودم که نیکویی و شایستگی مذهبی‌ام، که به آن می‌بالیدم، می‌توانستند خدا را راضی کنند. بنابراین، این خدای عادل و خشمگین را دوست نداشتم. حتی از این خدا بیزار بودم و مدام از او گلایه و شکایت داشتم. با این حال، به پولس عزیز دل بسته بودم و به شدت حسرت می‌کشیدم که منظورش را بفهمم.

روز و شب، تأمل نمودم، تفکر نمودم، کندوکاو نمودم تا به ارتباط میان عدالت خدا و عبارت «عادل به ایمان زیست خواهد نمود» پی بردم. آن‌گاه، عدالت خدا را درک نمودم و متوجه شدم که خدا، محض فیض و رحمت مطلقش، ما را به وسیلهٔ ایمان عادل می‌شمارد. در یک لحظه، تولد دوباره یافتیم و گویی درهای بهشت گشوده شدند و به پردیس قدم نهادیم.

در آن صومعه، لوتر به ورشکستگی روحانی خویش پی برد. او از اینکه بتواند خویشتن را رستگار کند مأیوس و ناامید گشته بود. اما فیض خدا نگذاشت اشتیاق و امیدش را از دست بدهد. او به یک نقطه چشم دوخته بود و امیدوار بود از آنجا دست یاری به سویش گشوده شود: کتاب مقدس. به جمله‌های لوتر توجه کنید: «واقعاً، دلم می‌خواست درک نمایم.» «به شدت حسرت



می‌کشیدم که منظورش را بفهمم.» «روز و شب، تأمل نمودم، تفکر نمودم، کندوکاو نمودم.»

به بیان دیگر، خدا لوتر را آماده نمود تا مسیح را واقعاً بشناسد و به او ایمان آورد. خدا در دل لوتر اشتیاقی چنان ژرف و شدید پدید آورد که باعث شد لوتر برای تسلی و نجاتی که فقط از مسیح سرچشمه می‌گیرد لحظه‌ای آرام و قرار نداشته باشد.

خدا امروز هم این شور و اشتیاق را پدید می‌آورد. چه بسا در این روزهایی که به پیشواز میلاد مسیح می‌رویم، خدا دلتان را بی‌تاب گرداند. شاید خدا شما را از این زندگی که مسیح در آن جایی ندارد با مهربانی و ملایمت خسته و دل‌زده گرداند و کاری کند که آرزو و اشتیاق دلتان با زرق و برق این دنیا سیراب نشود، بلکه فقط دلتان با او که هم خدا و هم انسان است آرام گیرد.

عجب هدیهٔ میلادی! باشد که همهٔ دل‌زدگی‌تان از این دنیا شما را به آغوش کلام خدا بیاورد. چه تجربهٔ دلپذیری خواهد بود! همانند قدم نهادن در بهشت خواهد بود.



## هدیه‌ای که نمی‌توانید آن را خریداری کنید

خدایی که جهان و آنچه در آن است آفرید، چون که او مالک آسمان و زمین است، در هیكل‌های ساخته شده به دست‌ها ساکن نمی‌باشد و از دست مردم خدمت کرده نمی‌شود که گویا محتاج چیزی باشد، بلکه خود به همگان حیات و نَفَس و جمیع چیزها می‌بخشد.

اعمال رسولان ۱۷: ۲۴-۲۵

خدا نمی‌خواهد به هیچ شکل و به هیچ طریقی به او خدمت شود تا مبادا این معنا را برساند که ما نیازهای خدا را برطرف می‌کنیم یا پشتیبان خدا هستیم یا چیزی به خدا می‌دهیم که صاحب و مالکش نیست. «که سبقت جسته چیزی بدو داده تا به او باز داده شود؟» (رومیان ۱۱: ۳۵). «اگر گرسنه می‌بودم، تو را خبر نمی‌دادم، زیرا ربع مسکون و پُری آن از آن من است» (مزمور ۵۰: ۱۲). پس نمی‌توانیم با خدا معامله کنیم. هر آنچه داریم خدا صاحب و مالکش است. از دست ما خدمتی برای خدا بر نمی‌آید. ماشین خدا هیچ‌گاه خراب نمی‌شود. ماشینش هیچ‌گاه بنزین تمام نمی‌کند. ماشینش هیچ‌گاه کثیف نمی‌شود. خدا هرگز خسته نمی‌شود. خدا هرگز غمگین و افسرده نمی‌گردد.

خدا هرگز در ترافیک نمی ماند تا نتواند به موقع به مقصد برسد. خدا هیچ‌گاه احساس تنهایی نمی‌کند. خدا هرگز گرسنه نمی‌شود.

به بیان دیگر، اگر بخواهید آنچه مالکش عیسی است به او بدهید، نمی‌توانید آن را خریداری کنید. نمی‌توانید آن را داد و ستد کنید. نمی‌توانید برای آن عرق بریزید و زحمت بکشید. پول شما و هرچه دارید صاحبش عیسی است. اگر کار می‌کنید و عرق می‌ریزید و زحمت می‌کشید، فقط به خاطر این است که عیسی به شما حیات و نَفَس و همه چیز بخشیده است. وقتی او چنین شکوهمندانه به ما می‌فرماید که می‌خواهد ما را خدمت نماید، تنها کاری که از دست ما برمی‌آید این است که تسلیم خواسته‌اش شویم.

این تسلیم شدن ایمان نام دارد و معنایش این است که در خدا بودنِ خدا دخالت نکنیم. به او توکل نماییم. برای تأمین نیازهایمان به او چشم بدوزیم. برای قوت گرفتن به او چشم بدوزیم. او را مشاور خودمان بدانیم. او را راهنمای خودمان بدانیم. او را منجی خودمان بدانیم و به همه اینها قانع باشیم. به خدا بودنِ خدا در عیسی و هر آنچه برای ما فراهم می‌سازد قانع باشیم. این یعنی ایمان. مسیحی بودن یعنی چنین ایمانی داشتن.

این است مفهوم میلاد مسیح: خدایی که بی‌نهایت خودکفا و متکی به خود است به این دلیل به جهان نیامده است که به او دست یاری دهیم، بلکه از حضورش حَظ ببریم.

## خدا با ما آشتی نمود

و نه همین فقط بلکه در خدا هم فخر می‌کنیم به وسیله خداوند ما،  
عیسی مسیح، که به وساطت او الان صلح یافته‌ایم.

رومیان ۱۱:۵

چگونه می‌توانیم به معنای واقعی با خدا آشتی کنیم و در خدا فخر و شادی  
نماییم؟ پاسخ: به میانجیگری عیسی مسیح. در تصویری که در کتاب مقدس  
از عیسی ترسیم می‌گردد، در تصویری که در عهد جدید از کلام عیسی و از  
کاری که انجام داد ترسیم می‌گردد، عیسی دلیل اصلی شادی ما در خدا  
معرفی می‌شود. شادی و نشاطی که دلیلش وجود مسیح نباشد، بی‌حرمتی  
به مسیح به حساب می‌آید.

در رساله دوم قرن‌تین ۴:۴-۶، پولس تولد تازه و نجات یافتن را به دو شکل  
توصیف می‌نماید. او در آیه ۴ می‌گوید تولد تازه و نجات یافتن یعنی دیدن  
«جلال مسیح که صورت خدا است» و در آیه ۶ می‌گوید تولد تازه و نجات  
یافتن یعنی دیدن «جلال خدا در چهره عیسی مسیح». در هر دو مورد، منظور  
روشن است: مسیح صورت خدا است و خدا در چهره مسیح مکتشف است.

اگر می‌خواهید به معنای واقعی در خدا شادی نمایید، باید با نگرستن به عیسی مسیح خدا را ببینید و خدا را بشناسید و آن‌گاه در خدا شادی نمایید. تجربه این دیدن و چشیدن در پیمانۀ کاملش زمانی است که محبت خدا به وسیلۀ روح القدس در دل‌مان جاری می‌گردد (رومیان ۵:۵).

خدا به خاطر مرگ خداوند‌مان، عیسی مسیح، با ما آشتی نمود (رومیان ۵:۱۰). خدا اجازه داد ما به میان‌جیگری خداوند‌مان، عیسی مسیح، طعم این آشتی را بچشیم. اکنون نیز به خاطر خداوند‌مان، عیسی مسیح، است که در خدا وجد و شادی می‌نماییم.

عیسی ما را با خدا آشتی داد. عیسی این فرصت را برایمان فراهم نمود که طعم آشتی با خدا را بچشیم و هدیه آشتی را باز کنیم. این وجود خود عیسی، خدا در جسم، است که از درون این هدیه وصف‌ناپذیر می‌درخشد و ما را به شور و شوق می‌آورد تا در خدا وجد و شادی نماییم.

در این روزهای عید میلاد مسیح به عیسی بنگرید. این هدیه آشتی را که او برایش بها داده است بپذیرید. این هدیه را باز نکرده روی طاقچه خانه‌تان نگذارید. اما چنین هم نباشد که این هدیه را باز کنید و آن را وسیلۀ رسیدن به خواسته‌هایتان گردانید. این هدیه را باز کنید و از آن لذت ببرید. در عیسی شادی نمایید. عیسی را خوشی و مسرت دلتان گردانید. عیسی را گنجینه‌تان گردانید.

## چشمان خود را برای دیدن میلاد مسیح آماده کنید

ایشان را گفت: «شما مرا که می‌دانید؟» شمعون پطرس در جواب گفت که «تویی مسیح، پسر خدای زنده!» عیسی در جواب وی گفت: «خوشا به حال توای شمعون بن یونا! زیرا جسم و خون این را بر تو کشف نکرده، بلکه پدر من که در آسمان است.»

متی ۱۶:۱۵-۱۷

خدا برای مکشوف نمودن ذات پسرش - هم به پطرس در آن زمان و هم به من و شما در حال حاضر - این‌گونه عمل نمی‌کند که به دیده‌ها و شنیده‌هایمان درباره عیسی نکته یا حقیقت تازه‌ای بیفزاید. خدا برای مکشوف نمودن ذات پسرش، قطعاً و بی‌چون و چرا، چشم دل ما را می‌گشاید تا جلال حقیقی الوهیت عیسی را ببینیم و بچشیم، تا جلال ذات الهی عیسی را ببینیم و بچشیم.

وقتی مردم در خصوص حقیقت ذات و هویت عیسی شک و تردید دارند، به آنها نگویید گوش تیز کنند تا شاید پیغام یا مکاشفه خاصی از خدا بگیرند. مسیح را به ایشان نشان دهید. به آنها بگویید که در زندگی و تعالیم مسیح چه دیده‌اید و چه شنیده‌اید. چرا؟ چون در وجود مسیح است که خدا قدرت

مکشوف‌گر خود را آشکار می‌سازد. خدا دوست دارد پسرش را جلال دهد! خدا دوست دارد چشم کور را بگشاید آن هنگام که چشم کور به پسرش می‌نگرد! برای اینکه خدا پسرش را بر من مکشوف نماید نزد من نمی‌آید و بگوید: «می‌دانم که تو هیچ چیز باشکوهی در پسر من نمی‌بینی. تو او را بر جلال نمی‌بینی. تو ذات الهی او را نمی‌بینی. تو او را برتر و جذاب‌تر از هر چیزی که در این دنیا وجود دارد نمی‌بینی. تو او را گنجینه خود که از هر نظر سیراب‌ت گرداند نمی‌بینی. تو قدوسیت او، حکمت او، قدرت او، و محبت او را نمی‌بینی. تو زیبایی بی‌حد و بی‌اندازه صفت‌های او را نمی‌بینی. اما حرف مرا باور کن. او همه آنچه گفتم هست. فقط باور کن و ایمان آور.» خیر، خدا این‌گونه عمل نمی‌کند.

چنین ایمانی پسر خدا را حرمت نمی‌نهد. چنین ایمانی نمی‌تواند پسر را جلال دهد. پایه و اساس ایمان نجات‌بخش این است که درباره وجود و ذات عیسی، پسر پر جلال خدا، به بینش و بصیرت روحانی دست یابیم. این بینش و بصیرت روحانی را کلام الهام‌شده عیسی، کتاب مقدس، به ما عطا می‌نماید. ما با حکمت و خرد خودمان نمی‌توانیم چشم دل‌مان را بگشاییم تا مسیح را بشناسیم و به او ایمان بیاوریم. این پدر آسمانی عیسی است که ذات و شخصیت او را برایمان مکشوف می‌گرداند.

پولس رسول می‌گوید: «خدایی که گفت تا نور از ظلمت درخشید همان است که در دل‌های ما درخشید تا نور معرفت جلال خدا در چهره عیسی مسیح از ما بدرخشد.»

چگونه باید در این روزهای عید میلاد مسیح دلتان را آماده کنید تا به مسیح ایمان آورد؟ در کتاب مقدس، به مسیح چشم بدوزید. به مسیح بنگرید! توجه خود را به عیسی معطوف کنید. دست به دعا برافرازید. از ورای این جسم خاکی، از ورای حکمت و خردتان، به عیسی بنگرید و از خدا بخواهید به شما



بیست و یکم دسامبر

چشم بینا و گوش شنوا بخشید تا همراه با پطرس بانگ برآورید: «تویی مسیح،  
پسر خدای زنده!»



## واقعیتی که باید برایش سرود خواند و نغمه سرایید

کاهنان به قانون شریعت هدایا را می‌گذرانند و ایشان شبیه و سایه چیزهای آسمانی را خدمت می‌کنند . . . مسیح خدمت نیکوتر یافته است، به مقداری که متوسط عهد نیکوتر نیز هست که بر وعده‌های نیکوتر مرتب است . . .

«این است آن عهدی که استوار خواهم داشت که احکام خود را در خاطر ایشان خواهم نهاد و بردل ایشان مرقوم خواهم داشت و ایشان را خدا خواهم بود و ایشان مرا قوم خواهند بود.»

عبرانیان ۸: ۴-۱۰

در این آیات، میلاد مسیح دو معنا دارد. نخستین معنایش این است که آنچه در عهدعتیق سایه و نمونه بود رنگ واقعیت به خود گرفت. معبد و نظام قربانی‌ها و کاهنان و عیدهای مذهبی و قوانین مربوط به حلال و حرام خوراک‌ها، جملگی، سایه و نمونه واقعیت موجود در آسمان بودند. آن واقعیت عیسی مسیح است و کاری که برای ما به انجام رساند: مسیح کاهن اعظم ما است. مسیح برای ما قربانی گشت. مسیح جان مایه اصلی پرستش و نیایش ما است. عیسی به همه آنچه در عهدعتیق سایه و نمونه به حساب می‌آمدند رنگ واقعیت بخشید و در اصل خودش جایگزین همه آن نمونه‌ها گشت.

دومین معنای میلاد مسیح این است که خدا با پایه‌گذاری عهد و پیمان جدید و نوشتن حقیقتش بر دل‌های ما واقعیت مسیح را برای ما به واقعیتی حقیقی و شخصی تبدیل می‌نماید. خدا قدرتمندانه به دل و فکر ما قدم می‌نهد تا بر سرسختی و مقاومتی چیره شود که در مقابل زیبایی واقعیت مسیح از خود نشان می‌دهیم. خدا اراده‌اش - حقیقت عیسی - را بر دل‌های ما مکتوب می‌نماید تا ببینیم که عیسی واقعاً کیست و مشتاق گردیم به عیسی توکل کنیم و از او پیروی نماییم - پیروی و توکلی که برده‌وار و از روی اجبار و الزام نیست، بلکه پیروی و توکلی که با میل و رغبت و شور و شوق، از درونمان، سرچشمه می‌گیرد.

خدا عادل و قدوس است و از گناهکاران - گناهکارانی چون من و شما - جدا می‌باشد. این است مشکل اصلی ما در روزهای عید میلاد مسیح و در روزهای دیگر نیز: چگونه می‌توانیم با خدای عادل و قدوس رابطه برقرار کنیم؟ خدا رحمان و رحیم است و در کتاب ارمیا فصل ۳۱ (پانصد سال پیش از آمدن مسیح) وعده می‌دهد که روزی فرا می‌رسد که اقدام تازه‌ای خواهد نمود. خدا واقعیت مسیح موعود را جایگزین سایه‌ها و نمادها می‌گرداند. خدا قدرتمندانه بر زندگی ما قدم می‌نهد و اراده‌اش را بر دل‌های ما می‌نویسد تا محبت‌مان به خدا و توکل‌مان به خدا و پیروی‌مان از خدا به اجبار و الزام نباشد، بلکه با میل و رغبت و شور و شوق، با همه وجودمان، خدا را دوست داشته باشیم و به خدا توکل کنیم و از خدا پیروی نماییم.

این عالی‌ترین رستگاری و نجاتی است که می‌توان تصورش نمود، اینکه خدا عالی‌ترین و بی‌نظیرترین واقعیت عالم را به ما هدیه دهد تا از آن برکت بگیریم و سپس دل‌مان را به تب و تاب آورد تا ببینیم و بدانیم که می‌توانیم آزادانه و با دلخوشی بسیار از این هدیه لذت ببریم. باید برای این هدیه میلاد مسیح

بیست و دوم دسامبر

سرود خواند و نغمه سرايید. این دقیقاً کاری است که خدا برایمان انجام داده است.



## عمیق ترین نیاز ما در عید میلاد مسیح

و او خواهد ایستاد و در قوت یهوه و در کبریایی اسم یهوه، خدای خویش،  
گله خود را خواهد چرانید و ایشان به آرامی ساکن خواهند شد، زیرا که او  
الان تا اقصای زمین بزرگ خواهد شد.  
و او سلامتی خواهد بود.

میکاه ۵:۴-۵

«او الان تا اقصای زمین بزرگ خواهد شد.» این است نبوت میکاه. هیچ  
دشمن و نیروی مخالفی در هیچ نقطه‌ای از جهان وجود نخواهد داشت که  
مغلوب نگردد. خطر وجود هیچ دشمن و قدرت بیگانه‌ای امنیت ما را تهدید  
نخواهد کرد. هرزانویی در مقابلش خم خواهد شد و هرزبانی اقرار خواهد کرد  
که او خداوند است. کل جهان از جلالش پُر خواهد گشت.  
و او صلح و آرامش ما خواهد بود. در بافت آیه مورد نظر، این صلح و آرامش  
شامل صلح و آرامشی است که سرانجام به لحاظ سیاسی بر جهان حکمفرما  
خواهد شد. میکاه در آیه ۳:۴ در این مورد نبوت می‌نماید:

و او در میان قوم‌های بسیار داوری خواهد نمود  
وامت‌های عظیم را از جای دور تنبیه خواهد کرد

و ایشان شمشیرهای خود را برای گاوآهن و نیزه‌های خویش را برای اژه‌ها  
خواهند شکست  
وامتی برامتی شمشیر نخواهد کشید  
و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت.

آن روز فرا خواهد رسید که آن فرمانفرما - شاه شاهان و سرور سروران -  
باز خواهد گشت و این نبوت‌ها را تحقق خواهد بخشید. سرانجام، این سرود  
زیبای میلاد مسیح رنگ واقعیت به خود می‌گیرد:

به حقیقت و به فیضش کند سلطنت جهان را  
تا جلالِ عدالتش  
تا محبتِ شگرفش  
همهٔ امت‌ها و قوم‌ها نگرند و شاهد باشند.

اما صلح و آرامش ژرف‌تری هم وجود دارد - صلح و آرامشی که باید پیش از  
برقراری صلح و آرامش در جهان رخ نمایاند. باید میان ما و خدا صلح شود.  
بی‌ایمانی ما باید برطرف گردد و غضب خدا باید فروکش نماید. این ژرف‌ترین  
صلح و آرامش ما است - این عمیق‌ترین نیاز ما در عید میلاد مسیح است.  
میکاه می‌دانست که این صلح در راه بود. او شخصاً طعم این صلح و آرامش  
را چشیده بود (میکاه ۸:۷-۹). او در پایان کتابش، در میکاه ۷:۱۸-۱۹، این  
حقیقت را به زیبایی توصیف می‌کند:

کیست خدایی مثل تو که عصیان را می‌آمرزد  
و از تقصیر بقیهٔ میراث خویش درمی‌گذرد.  
او خشم خود را تا به ابد نگاه نمی‌دارد،  
زیرا رحمت را دوست می‌دارد.  
او باز رجوع کرده، بر ما رحمت خواهد نمود  
و عصیان ما را پایمال خواهد کرد



و توجیم گناهان ایشان را  
به عمق‌های دریا خواهی انداخت.

این کار عظیمی بود که مسیح موعود باید در آینده به انجام می‌رساند. آری، اگر قرار است صلح و آرامش در جهان برقرار باشد، باید دشمنان در گوشه و کنار این کره خاکی مغلوب شوند. اما آن دشمنان عظیم، به نام گناه و داوری، بزرگ‌ترین و دشمن‌ترین دشمنان هستند. پیغام انجیل در عید میلاد مسیح از این قرار است: مسیح این دشمنان را زیر پای صلیب لگدمال نموده است. پس هر کسی که اعتمادش را بر مسیح قرار دهد گناهانش به عمق دریا افکنده خواهد شد.

بنابراین، ما نمی‌گوییم «جلال بر ما باد!» ما می‌گوییم «خدا را در اعلا علین جلال و بر زمین سلامتی و در میان مردم رضامندی باد.»



بیست و چهارم دسامبر

## جمعیت وعده‌های خدا از آن ما هستند

و توای بیت لحم افراته!  
اگرچه در هزاره‌های یهودا کوچک هستی،  
از تو برای من کسی بیرون خواهد آمد  
که بر قوم من، اسرائیل، حکمرانی خواهد نمود  
و طلوع‌های او از قدیم  
و از ایام ازل بوده است.  
بنابراین، ایشان را تا زمانی که زن حامله بزاید تسلیم خواهد نمود  
و بقیه برادرانش با بنی اسرائیل باز خواهند گشت.  
و او خواهد ایستاد و در قوت یهوه  
و در کبریایی اسم یهوه، خدای خویش،  
گله خود را خواهد چرانید.

میکاه ۵: ۲-۴

مسیح تحقق جمعیت وعده‌های خدا است. اگر به مسیح اعتماد کنید، جمعیت آن وعده‌ها میراث شما خواهند بود. میکاه به صراحت اعلام می‌دارد که مسیح وعده‌های خدا را برایمان تضمین می‌نماید. چگونه میکاه این مهم را به ما نشان می‌دهد؟

هر شخص یهودی که در آن روزگار نبوت میکاه را می شنید و مطلع می گشت که حکمرانی از بیت لحم ظهور خواهد کرد که در قوت خداوند گله اش را خواهد چرانید، بی درنگ، دو نفر را به ذهن می آورد: داوود پادشاه و ظهور پسر داوود، مسیح موعود.

در این آیات، دست کم، با سه مورد روبه رو هستیم که به داوود ربط می یابند: (۱) داوود اهل بیت لحم بود. به همین دلیل، بیت لحم «شهر داوود» نامیده می شد؛ (۲) داوود پادشاه اسرائیل بود. او برجسته ترین پادشاه بود. او مردی موافق دل خدا بود؛ (۳) داوود به هنگام نوجوانی شبانی گله ها را به عهده داشت و بعدها شبان اسرائیل نام گرفت (مزمور ۷۸: ۷۱).

این سه پیوند با داوود حامل این نکته است: میکاه بر قطعیت وعده خدا به داوود تأکید می نماید. در کتاب دوم سموئیل ۷: ۱۲-۱۶، خدا به داوود می فرماید:

ذَرِیت تو را که از صُلب تو بیرون آید بعد از تو استوار خواهم ساخت و سلطنت او را پایدار خواهم نمود. او برای اسم من خانه ای بنا خواهد نمود و کرسی سلطنت او را تا به ابد پایدار خواهم ساخت . . . خانه و سلطنت توبه حضورت تا به ابد پایدار خواهد شد و کرسی تو تا به ابد استوار خواهد ماند.

نکته حیرت انگیز درباره کلام میکاه این است که او در مقطعی که اسرائیل در اوج شکوه و قدرت قرار داشت بر قطعیت این وعده تأکید نورزید، بلکه این وعده را زمانی با قاطعیت اعلام نمود که اسرائیل در خواب غفلت بود. حکومت شمالی اسرائیل فرو پاشیده بود و دیری نمی پایید که داوری خدا بر حکومت جنوبی نازل می گشت. در آن زمان ها، تحقق وعده های خدا محال به نظر می رسید.

اما منظور میکاه این بود: آمدن مسیح تأییدیۀ تحقق وعده‌های خدا بود. در رسالۀ رومیان ۸:۱۵، پولس می‌نویسد: «عیسی مسیح خادم ختنه گردید، به جهت راستی خدا، تا وعده‌های اجداد را ثابت گرداند.» پولس در رسالۀ دوم قرنتیان ۲۰:۱ نیز می‌نویسد: «چندان که وعده‌های خدا است، همه در او بلی است.»

اگر محض ایمان «در او» قرار دارید، وارث جمیع وعده‌های خدا خواهید بود. پیشگویی میکاه با آمدن عیسی به حقیقت پیوست. از این رو، جمیع وعده‌ها تصدیق گشتند. خدا جز حقیقت نگفته است. میلاد مسیح مُهر تأیید خدا بر جمیع وعده‌هایش است. اگر مسیح آمده، بنابراین، خدا راست می‌گوید و چون خدا راست می‌گوید، جمیع وعده‌های خدا نیز برای کسانی که به خدا اعتماد کنند به انجام خواهد رسید. این هدیۀ وصف‌ناپذیر را پذیرا شوید.



## فیض: طنین اندازترین نوای میلاد مسیح

من هستم آن نان زنده که از آسمان نازل شد. اگر کسی از این نان بخورد، تا به ابد زنده خواهد ماند و نانی که من عطا می‌کنم جسم من است که آن را به جهت حیات جهان می‌بخشم.

یوحنا ۶: ۵۱

یوحنا انجیل خود را با شرح تولد عیسی آغاز نمی‌کند. همه می‌دانیم که انجیل یوحنا با چه جمله‌ای آغاز می‌شود: «در ابتدا، کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود» (یوحنا ۱: ۱). به جای آنکه انجیل خود را با شرح میلاد مسیح آغاز کند و به توصیف تولد مسیح بپردازد، یوحنا میلاد مسیح و هدف از میلاد مسیح را در سطر سطر انجیلش شرح می‌دهد.

برای نمونه، پس از آنکه یوحنا می‌گوید «کلمه خدا بود»، می‌افزاید: «و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پُر از فیض و راستی، و جلال او را دیدیم، جلالی شایستهٔ پسر یگانهٔ پدر... و از پُری او جمیع ما بهره یافتیم و فیض به عوض فیض» (یوحنا ۱: ۱۴-۱۶).

کلمهٔ ازلی و ابدی خدا جسم انسان به خود گرفت. به این ترتیب، پسر خدا انسان گشت، پسری که ذاتش ذات خدا بود و هرگز آغازی نداشت و هرگز

آفریده نشد و خودش خدا بود و نزد خدا بود. زمانی که پسر خدا انسان گشت، جلال خدا را به شکل و شیوه‌ای کاملاً تازه هویدا نمود. این جلال الهی، که به شکلی بی‌همتا و منحصر به فرد در پسر خدا مکشوف گشت، پُر از فیض و راستی بود و از پُری او جمیع ما بهره یافتیم و فیض در پی فیض.

این است معنای میلاد مسیح در انجیل یوحنا. خدای پسر، که خودش خدا است و نزد خدا است، به جهان آمد تا خدا را به شکلی مکشوف نماید که تا آن زمان هیچ‌گاه به آن شکل مکشوف نگشته بود. طنین اندازترین نوایی که در این مکاشفه به گوش می‌رسد نوای فیض است: از پُری آن مکاشفه جلال الهی، ما فیض در پی فیض می‌یابیم.

انجیل یوحنا ۳: ۱۶-۱۷ می‌فرماید: «زیرا خدا جهان را این‌قدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد [این جمله هم گویای معنای میلاد مسیح است هم جمعه نیک] تا هر که بر او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاودانی یابد. زیرا خدا پسر خود را در جهان نفرستاد تا بر جهان داوری کند [هدف میلاد مسیح محکوم کردن نیست]، بلکه تا به وسیله او جهان نجات یابد [هدف میلاد مسیح نجات و رستگاری است].»

در پایان عمرش، عیسی مقابل پیلاطس ایستاد و پیلاطس به او گفت: «مگرتو پادشاه هستی؟» عیسی پاسخ داد: «تو می‌گویی که من پادشاه هستم. از این جهت، من متولد شدم و به جهت این در جهان آمدم [این هدف میلاد مسیح است] تا به راستی شهادت دهم و هر که از راستی است سخن مرا می‌شنود» (یوحنا ۱۸: ۳۷).

حقیقتی که عیسی با کلامش و با همه وجودش به آن شهادت داد چه تأثیری داشت؟ عیسی در انجیل یوحنا ۸: ۳۱-۳۲ به ما می‌فرماید: «اگر شما در کلام من بمانید، فی الحقیقه شاگرد من خواهید شد و حق را خواهید شناخت و



حق شما را آزاد خواهد کرد.» پس میلاد مسیح بدین معنا است: پسر خدا به جهان آمد تا به طریقی به حقیقت شهادت دهد که تا آن زمان هرگز به آن طریق به حقیقت شهادت داده نشده بود.

عیسی راه و راستی و حیات است (یوحنا ۱۴:۶). عیسی حقیقت است و آزادی هدفی است که عیسی به سبب آن هدف خودش را چون حقیقت به جهان هدیه داد. حقیقت را خواهید شناخت و حقیقت شما را آزاد خواهد کرد، آزاد از تقصیر و قدرت گناه، آزاد از مرده و کور بودن، آزاد از داوری شدن. چگونه این آزادی پدید می‌آید؟ انجیل یوحنا فصل ۶ را به یاد آورید که عیسی به قصد جان سپردن از آسمان به زمین آمد. او آمد تا جان دهد. او آمد تا بی‌عیب و بدون گناه زندگی کند و برای گناهکاران جان فدا نماید. انجیل یوحنا ۵۱:۶ می‌فرماید: «من هستم آن نان زنده که از آسمان نازل شد. اگر کسی از این نان بخورد، تا به ابد زنده خواهد ماند و نانی که من عطا می‌کنم جسم من است که آن را به جهت حیات جهان می‌بخشم.»

کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد تا بتواند برای حیات جهانیان جان دهد. ما، گناهکاران، می‌توانیم از پُری او فیض در پی فیض بیابیم، چرا که او آمد تا برای ما جان سپارد. میلاد مسیح از همان ابتدایش راه را برای جمعه نیک آماده می‌کرد.

هرچه در انجیل یوحنا جلوتر می‌رویم، معنای میلاد مسیح روشن‌تر و شفاف‌تر می‌گردد. کلمه جسم گردید. عیسی جلال خدا را به شکلی بی‌ظن و بی‌همتا مکشوف نمود. عیسی مطابق با برنامه‌ریزی خودش جان سپرد. به خاطر جان دادن به جای ما، عیسی نان حیات ما است. عیسی سرچشمهٔ آمرزش و عدالت و حیات است. این است معنای شگرف میلاد مسیح در انجیل

یوحنا. در اصل، این است معنای شگرف میلاد مسیح برای کل جهان، برای  
جهان امروز.

جمع‌بندی

## نجات‌دهنده‌ای متولد شد! خدا جلال می‌یابد، شما صلح و آرامش می‌یابید

موعظه ویژه عید میلاد مسیح

این آیه‌ها یکی از مشهورترین و فرخنده‌ترین آیات و ویژه عید میلاد مسیح می‌باشند:

«که امروز برای شما در شهر داوود نجات‌دهنده‌ای، که مسیح خداوند باشد، متولد شد و علامت برای شما این است که طفلی در قن‌داقه پیچیده و در آخور خوابیده خواهید یافت.» در همان حال، فوجی از لشکر آسمانی با فرشته حاضر شده، خدا را تسبیح‌کنان می‌گفتند:  
«خدا را در اعلی‌علیین جلال و بر زمین سلامتی و در میان مردم رضامندی باد!»  
(لوقا ۲: ۱۱-۱۴)

غرق شگفتی این آیات می‌شویم و همه با هم در حقیقت این آیات وجد و شادی می‌نماییم. در کنار جلال و صلح و آرامشی که در آیه ۱۴ عنوان می‌شود، بسی شگفتی به چشم می‌آید. «امروز برای شما . . . متولد شد.» این تولد در

یک روز اتفاق افتاد، یک روز در تاریخ. این تولد در بطن یک قصه و افسانه روی نداد. مسیح در روزی به دنیا آمد که اُغسُطسِ قیصر امپراتور روم بود و کیرینیوس والی سوریه (آیهٔ ۲).

این روز از ازل و پیش از خلقت جهان مقرر شده بود. در اصل، کل عالم هستی، با بی‌شمار سال‌های نوری و میلیاردها کهکشان، به جهت چنین روزی و به جهت قصدی که این روز برای تاریخ بشر در نظر داشت این‌گونه باشکوه آفریده شدند.

زیرا که در او همه چیز آفریده شد، آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است، از چیزهای دیدنی و نادیدنی و تخت‌ها و سلطنت‌ها و ریاسات و قوات، همه به وسیلهٔ او و برای او آفریده شد. (کولسیان ۱:۱۶)

برای او! برای ظهور او، برای روز تولد او. «چون زمان به کمال رسید، خدا پسر خود را فرستاد که از زن زاییده شد و زیر شریعت متولد» (غلاطیان ۴:۴). در یک روز اتفاق افتاد، روزی عالی و بی‌نظیر، وقتی زمان مقرر فرا رسید. خدا پیش از بنای عالم این زمان عالی و بی‌نظیر را مقرر نموده بود. «که امروز برای شما . . . متولد شد!»

«در شهر داوود.» این تولد در یک شهر واقعی روی داد، نه در شهر افسانه‌ها، نه در یک سرزمین تخیلی، نه در یک کهکشان دور، خیلی دور. این تولد در شهری روی داد که یازده هزار و دویست و هفتاد کیلومتر با شهر مینیاپولیس در ایالات متحدهٔ آمریکا فاصله دارد. این شهر هنوز وجود دارد. مادرم در یک تصادف اتوبوس خارج از همین شهر جان خود را از دست داد. این شهر شهری واقعی است.

نام این شهر بیت لحم است (لوقا ۲: ۴): «یوسف نیز از جلیل . . . به شهر داوود، که بیت لحم نام داشت، رفت». بیت لحم ده کیلومتر با اورشلیم فاصله داشت. بیت لحم زادگاه یَسا، پدر داوود (پادشاه برجستهٔ اسرائیل)، بود. بیت لحم همان شهری است که میکاه درباره اش چنین نبوت نمود:

و تو ای بیت لحم افراته!  
اگرچه در هزاره‌های یهودا کوچک هستی،  
از تو برای من کسی بیرون خواهد آمد  
که بر قوم من، اسرائیل، حکمرانی خواهد نمود  
و طلوع‌های او از قدیم و از ایام ازل بوده است. (میکاه ۵: ۲)

مسیح در یک شهر به دنیا آمد، در شهری واقعی، مانند شهری که شما در آن زندگی می‌کنید.

## نجات‌دهنده، مسیح موعود، خداوند

« . . . نجات‌دهنده‌ای . . . » «امروز برای شما در شهر داوود نجات‌دهنده‌ای . . . متولد شد.» یک نجات‌دهنده. اگر به خدا گناه کرده‌اید، به یک نجات‌دهنده احتیاج دارید. فرشته به یوسف گفت: «نام او را عیسی خواهی نهاد، زیرا که او امت خویش را از گناهانشان خواهد رها کند» (متی ۱: ۲۱). فقط خدا می‌تواند گناهی را که انسان به خدا مرتکب می‌شود ببخشد. خدا پسر ابدی و ازلی خدا را به جهان فرستاد، زیرا پسر خدا خودش خدا است. به همین دلیل، عیسی می‌فرماید: «پسر انسان را استطاعت آموزیدن گناهان بر روی زمین هست.» از این جهت است که نجات‌دهنده‌ای متولد شد.

« . . . که مسیح . . . باشد » «که امروز برای شما در شهر داوود نجات‌دهنده‌ای، که مسیح خداوند باشد، متولد شد.» نام مسیح، که در زبان عبری «ماشیح»

تلفظ می‌شود، به معنای «آن مسح شده» می‌باشد (یوحنا ۱: ۴۱؛ ۴: ۲۵). او همان کسی است که از دیرباز درباره‌اش نبوت شده بود. او همان کسی است که از دیرباز در انتظار آمدنش بودند. او همان برترین و ممتازترین مسح شده است (مزمور ۷: ۴۵). او آخرین پادشاه مسح شده است. او آخرین نبی مسح شده است. او آخرین کاهن مسح شده است. در وی، جمیع وعده‌های خدا آری هستند (دوم قرن‌تیاں ۱: ۲۰). او تحقق همه امیدها و آرزوهای قوم اسراییل خواهد بود.

برتر از همه اینها، بسیار برتر از همه اینها، «... خداوند باشد.» «که امروز برای شما در شهر داوود نجات‌دهنده‌ای، که مسیح خداوند باشد، متولد شد.» فرمانروا، حاکم مطلق، خدای قدیر، پدر جاودانی، خداوند عالم.

زیرا که برای ما ولدی زاییده  
 و پسری به ما بخشیده شد  
 و سلطنت بردوش او خواهد بود  
 و اسم او عجیب و مشیر و خدای قدیر  
 و پدر سرمدی و سرور سلامتی خوانده خواهد شد.  
 ترقی سلطنت و سلامتی او را بر کرسی داوود  
 و بر مملکت وی انتها نخواهد بود. (اشعیا ۹: ۶-۷)

## جان کلام عید میلاد مسیح

خداوند بی‌زوال، خداوند عالم، خداوند فرمانفرمای مطلق. خداوند خداوندان.

- در یک روز - در تاریخی که واقعیت است.
- در یک شهر - در جهان واقعی.
- نجات‌دهنده - تا گناهان ما را بردارد.
- مسیح - تا امیدهای ما را تحقق بخشد.

- خداوند - تا بر همه دشمنان ما پیروز گردد و ما را تا ابد در امنیت و ایمنی و رضایتمندی محفوظ دارد.

از این رو، در این فصل عید میلاد مسیح، همراه با شما غرق شادی هستیم که نجات‌دهنده‌ای عظیم داریم، به نام عیسی مسیح خداوند، که روزی در یک شهر به دنیا آمد تا ما را از گناهانمان، از گناهان فراوانمان، نجات دهد.

## دو هدف عالی برای این خبر عالی

وقتی فرشته این خبر را به شبانان بشارت داد (لوقا ۲: ۱۱) و آنها را به آخوری که کودک در آن خوابیده بود هدایت نمود، ناگهان، لشکر فرشتگان در آسمان پدیدار گشتند. بدیهی است که یک فرشته نیز می‌تواند خبر خوش را بشارت دهد. اما برای ابراز شادی و خوشحالی ناشی از این خبر حتماً باید بیش از یک فرشته حضور داشته باشد. مفهوم این خبر و ثمره این خبر حضور لشکر فرشتگان را می‌طلبد.

در همان حال، فوجی از لشکر آسمانی با فرشته حاضر شده، خدا را تسبیح‌کنان می‌گفتند:  
«خدا را در اعلی‌ین جلال  
و بر زمین سلامتی و در میان مردم رضامندی باد!» (۱۳: ۲-۱۴)

آن خبر شادی بخش این بود که در آن روز، در زمان مقرر، در شهری که درباره‌اش نبوت شده بود، نجات‌دهنده‌ای متولد شد که مسیح بود، که خداوند بود. این خبر دو ثمره عالی داشت، دو هدف عالی داشت: «خدا را در اعلی‌ین جلال و بر زمین سلامتی و در میان مردم رضامندی باد!»

## جلال خدا و صلح و آرامش ما

تولد این نوزاد عالی‌ترین مکاشفهٔ جلال خدا در عرش برین خواهد بود. تولد این نوزاد صلح و آرامش برای قوم خدا به ارمغان خواهد آورد. این نوزاد یک روز جهان را از صلح و عدالت مملو خواهد نمود. «ترقی سلطنت و سلامتی او را انتها نخواهد بود» (اشعیا ۹:۷).

اول و مهم‌تر از همه این است که خدا با تولد این نوزاد جلال می‌یابد. دوم اینکه، هر کجا که به این نوزاد خوش‌آمد گویند، صلح و آرامش در آنجا دامن می‌گستراند. این است شماری از هدف‌های عالی تولد عیسی: انسان خدا را جلال می‌دهد. خدا به انسان صلح و آرامش می‌بخشد. آوازهٔ جلال نام خدا در میان انسان‌ها به گوش می‌رسد. به خاطر نام خدا، صلح و آرامش خدا در میان انسان‌ها ساکن می‌گردد.

هدف خدا از آفرینش جهان و مقصودش از بازسازی جهان در عیسی مسیح و جلال یافتن خودش و صلح و آرامش ما را از این بهتر نمی‌توان خلاصه نمود. بزرگی خدا شادی ما است. زیبایی خدا خوشی دل ما است. نظر به اینکه خدا پر جلال است، مقصود از آفرینش جهان و نجات و رستگاری انسان این است که انسان از صلح و آرامش خدا لبریز گردد، خدا را جلال دهد، جلال خدا را بر همگان آشکار گرداند و جلال خدا را ستایش نماید.

## چشیدن صلح و آرامشی که مسیح به ارمغان می‌آورد

«خدا را در اعلیٰ علیین جلال و بر زمین سلامتی و در میان مردم رضامندی باد!» نکتهٔ مهم این است که هرچند این صلح و آرامش خدا برای همگان مهیا است، فقط برگزیدگان خدا، یعنی کسانی که به مسیح ایمان می‌آورند و



او را نجات‌دهنده و خداوند خود می‌دانند، طعم صلح و آرامشی را که مسیح به ارمغان می‌آورد خواهند چشید.

گوشه‌چشمی از مفهوم این حقیقت را در انجیل لوقا ۱۰:۵-۶ مشاهده می‌کنید که عیسی به شاگردانش می‌فرماید: «و در هر خانه‌ای که داخل شوید، اول، گویید سلام بر این خانه باد [پیغام صلح و آرامش برای همگان]. پس، هرگاه این السلام در آن خانه باشد، سلام شما بر آن قرار گیرد، و الاّ به سوی شما راجع شود.»

صلح و آرامش خدا در مسیح به جهان اعلام می‌گردد. اما فقط «پسران صلح» به این پیغام صلح و آرامش پاسخ مثبت می‌دهند. از کجا بدانید شما هم «پسر صلح» هستید؟ از کجا بدانید این وعده فرشته، که می‌گوید «در میان مردم رضامندی باد!»، شامل حال شما هم خواهد بود؟ پاسخ این است: به سفیر صلح و آرامش خوش آمد گویید. به عیسی ایمان آورید.

## مقصود اصلی صلح و آرامش

قصد خدا این است که خودش برترین و عزیزترین در زندگی شما باشد و به این ترتیب به شما صلح و آرامش بخشد. در عهد جدید، پنج بار، مسیح «خدای سلامتی» نامیده می‌شود (رومیان ۱۵:۳۳؛ ۱۶:۲۰؛ فیلیپیان ۴:۹؛ اول تسالونیکیان ۵:۲۳؛ عبرانیان ۱۳:۲۰). عیسی می‌فرماید: «سلامتی خود را به شما می‌دهم» (یوحنا ۱۴:۲۷). پولس نیز می‌گوید: «عیسی [سلامتی ما است]» (افسیسیان ۲:۱۴).

منظور این است که صلح و آرامش خدا یا صلح و آرامش مسیح همواره با خود خدا یا خود مسیح همراه است. اگر می‌خواهیم در زندگی مان آرامش حکمفرما باشد، باید خدا فرمانروای زندگی مان باشد، باید مسیح فرمانروای زندگی مان

باشد. هدف خدا این نیست که آرامشی جدا از خودش به شما هدیه دهد. قصد خدا این است که خودش برترین و عزیزترین در زندگی شما باشد و به این ترتیب به شما صلح و آرامش بخشد.

پس کلید رسیدن به صلح و آرامش این است که ما هم آنچه فرشتگان کنار هم قرار دادند کنار هم قرار دهیم: جلال برای خدا و صلح و آرامش برای انسان. دلی که شور و شوقش عیان نمودن جلال خدا باشد دلی است که صلح و آرامش خدا در آن برقرار است.

آنچه جلال یافتن خدا و آرامش گرفتن انسان را کنار هم قرار می‌دهد باور نمودن وعده‌های خدا یا اعتماد نمودن به وعده‌های خدا است، وعده‌هایی که عیسی آنها را به انجام رساند. رسالهٔ رومیان ۱۵:۱۳ یکی از آن آیه‌های اساسی و زیربنایی است که به این نقش مهم و حیاتی ایمان اشاره می‌نماید: «خدای امید شما را از کمال خوشی و سلامتی در ایمان پُر سازد.» در ایمان است که از کمال آرامش لبریز می‌گردیم. به بیان دیگر، با ایمان است که وعده‌های خدا برای ما به واقعیت تبدیل می‌شوند و در ما و از طریق ما آرامش به بار می‌آورند. این آرامش زمانی پدید می‌آید که وعده‌های خدا را باور می‌کنیم. راه رسیدن به صلح و آرامش با خدا و صلح و آرامش با خودمان و صلح و آرامش با دیگران، جملگی، باور نمودن وعده‌های خدا است.

## سه جنبهٔ صلح و آرامش

در این فصل عید میلاد مسیح، از صمیم قلب دلم می‌خواهد طعم این صلح و آرامش را بچشید. این را می‌دانیم که این صلح و آرامش، در آینده، بر جهان سایه خواهد افکند و «جهان از معرفت جلال یهوه مملو خواهد شد، به نحوی

که آب‌ها دریا را مستور می‌سازد» (حقوق ۲: ۱۴). اشعیا نیز می‌گوید: «ترقی سلطنت و سلامتی او را انتها نخواهد بود» (اشعیا ۹: ۷).

اما عیسی آمده است تا سرآغاز این صلح و آرامش در میان قوم خدا باشد. خواست عیسی این است که شما این صلح و آرامش را از سه جنبه پیگیر باشید و از آن لذت ببرید. صلح و آرامش با خدا، صلح و آرامش با خودتان، صلح و آرامش با دیگران، تا جایی که از عهده شما برمی‌آید.

منظورم از صلح و آرامش فقط این نیست که روابط شما عاری از دعوا و کشمکش و خصومت و دشمنی باشد، بلکه آرامش و آسودگی دلچسب و دلنشین و پرنشاطی در زندگی شما جاری باشد و تا جایی که در توان دارید روابطتان سرشار از چنین آسودگی و آرامشی باشد.

حال، کوتاه و مختصر، هر یک از این سه رابطه صمیمانه را از نظر می‌گذرانیم تا مطمئن شویم که در حد امکان از این سه رابطه به شکلی صحیح و سالم بهره می‌برید. کلید گشودن هر سه رابطه همان نکته‌ای است که فرشتگان آن را هم‌راستا با هم بیان کردند: جلال خدا و آرامشی که آرزومندش هستید. «خدا را در اعلی‌علیین جلال و بر زمین سلامتی.»

## صلح با خدا

ما پیش از هر چیز نیازمند آن هستیم که با خدا صلح کنیم. صلح با خدا شالوده و زیربنای آرامشی است که در پی آن هستیم. اگر پیش از هر چیز به دنبال صلح با خدا نباشیم، هر صلح و آرامشی که تجربه‌اش کنیم صلح و آرامشی سطحی و موقت خواهد بود.

رساله رومیان ۱: ۵ یکی از آیات اصلی و مهم در مورد این صلح است: «پس، چون که به ایمان [قدم مهم و حیاتی باور نمودن] عادل شمرده شدیم، نزد خدا

سلامتی داریم، به وساطت خداوند ما عیسی مسیح.» عبارت «عادل شمرده شدن» به این معنا است که خدا عدالت و بی‌گناهی عیسی را به حساب شما می‌گذارد و شما را از منظر خودش عادل و بی‌گناه اعلام می‌کند.

و خدا این مهم را فقط به وسیلهٔ ایمان به انجام می‌رساند: «چون که به ایمان عادل شمرده شدیم» (رومیان ۱:۵). با انجام اعمال نیک و مذهبی عادل شمرده نمی‌شویم. با به‌جای آوردن آداب و رسوم عادل شمرده نمی‌شویم. با تعمید یافتن در آب عادل شمرده نمی‌شویم. با عضو کلیسا گشتن عادل شمرده نمی‌شویم. با زهد و پارسایی و پرهیزکاری عادل شمرده نمی‌شویم. با متعلق بودن به یک قوم و نژاد خاص عادل شمرده نمی‌شویم. ما فقط با ایمان عادل شمرده می‌شویم. وقتی به عیسی ایمان می‌آوریم و باور می‌کنیم که او نجات‌دهنده و خداوند است و او را برترین گنجینهٔ زندگی مان می‌دانیم، آن‌گاه با مسیح متحد می‌گردیم و خدا عدالت مسیح را به حساب ما می‌گذارد. ما با ایمان عادل شمرده می‌شویم.

و ثمرهٔ این عادل شمرده شدن صلح و آشتی با خدا است. خشم خدا که به سبب گناهانمان بر ما برافروخته است فروکش می‌نماید. برطغیان و سرکشی ما ضد خدا غلبه می‌شود. خدا ما را در خانواده‌اش به فرزندخواندگی می‌پذیرد. از آن پس، خدا هرچه می‌کند به خیریت ما خواهد بود. خدا هرگز برضد ما نخواهد بود. او پدر ما است، او دوست ما است. ما به آرامش می‌رسیم. دیگر ترسی در دل نداریم. این صلح و آرامش زمینه‌ساز هر صلح و آرامشی دیگر است.

## صلح با خودمان

چون با ایمان عادل شمرده می‌شویم و با خدا صلح می‌کنیم، می‌توانیم با خودمان هم به صلح برسیم. وقتی با خودمان به صلح می‌رسیم، هر گونه

احساس تقصیر و هرگونه تشویش و دلهره و نگرانی که می‌خواهند ما را فلج کنند یا امیدمان را از ما بگیرند خلع سلاح می‌شوند. در اینجا نیز باور نمودن وعده‌های خدا به همراه جلال دادن خدا در زندگی‌مان کلید اصلی این صلح است.

رساله فیلیپیان ۴: ۶-۷ یکی از ارزشمندترین آیات در این خصوص است: «برای هیچ چیز اندیشه نکنید [آرامش نقطهٔ مقابل تشویش و نگرانی است]، بلکه در هر چیز با صلوات و دعا با شکرگزاری مسوولات خود را به خدا عرض کنید [به عبارتی، نگرانی‌های خود را به خدا بسپارید] و سلامتی خدا، که فوق از تمامی عقل است، دل‌ها و ذهن‌های شما را در مسیح عیسی نگاه خواهد داشت.»

در تصویری که در آیات نامبرده ترسیم می‌گردد، به دل و ذهن ما هجوم آورده‌اند. احساس تقصیر، دلهره و تشویش و نگرانی، احساس خطر، گنجی و آشفتگی و سرگشتگی، تزلزل و بی‌ثباتی، جملگی، آرامش ما را به خطر می‌اندازند. به گفتهٔ پولس، خدا می‌خواهد دل و ذهن ما را پاسداری نماید. خدا دل و ذهن ما را با آرامش خویش محفوظ نگاه می‌دارد. خدا به گونه‌ای دل و ذهن ما را با آرامش خویش محفوظ نگاه می‌دارد که از قوهٔ درک و فهم انسان خارج است - «که فوق از تمامی عقل است.»

با قوهٔ درک و فهم و بینش خودتان آرامش خدا را محدود نکنید. خدا آرامشی به ما عطا می‌کند که در بیان نمی‌گنجد، آرامشی که ورای عقل ما است. خدا این آرامش را زمانی به ما عطا می‌کند که نگرانی‌ها و دلهره‌های خود را در دعا به حضورش می‌بریم و به او اعتماد می‌کنیم و می‌دانیم که بار نگرانی‌های ما را خودش بردوش می‌گیرد (اول پطرس ۵: ۷) و ما را محافظت می‌نماید.

وقتی نگرانی‌های خود را به خدا می‌سپاریم، وقتی به حضور خدا می‌آییم، به یاد می‌آوریم که با خدا در صلح هستیم! و به او که پدر آسمانی قادر مطلق و مهربانمان است اعتماد می‌کنیم و می‌دانیم که به ما کمک می‌کند. به پدر آسمانی مان توکل می‌کنیم و می‌دانیم که آرامش او در ما ساکن می‌گردد و ما را از نفوذ ترس و تشویش و تقصیر، که کاری جز ناتوان کردن و از پا انداختنمان ندارند، محفوظ نگاه می‌دارد و ما را محکم و ثابت قدم می‌گرداند. آن‌گاه، توان می‌یابیم که به پیش رویم و این چنین است که خدایمان جلال می‌یابد، چرا که به او توکل نموده‌ایم.

در این عید میلاد مسیح، این قدم‌ها را بردارید. تشویش و نگرانی خود را به خدا بسپارید. تشویش و نگرانی خود را با خدا در میان بگذارید. از خدا کمک بخواهید. از خدا بخواهید دست محافظت‌ش را بر شما بگذارد. از خدا بخواهید آرامشتان را به شما بازگرداند و از شما استفاده نماید تا شما هم سفیر صلح و آرامش باشید.

## صلح با دیگران

سومین جنبه از صلح و آرامشی که خدا می‌خواهد از آن بهره‌مند گردیم صلح با مردم است. اختیار این صلح چندان در دست ما نیست. از این‌رو، باید حواسمان باشد که با پولس در رسالهٔ رومیان ۱۲:۱۸ هم نظر باشیم: «اگر ممکن است، به قدر قوهٔ خود با جمیع خلق به صلح بکوشید.»

بسیاری از شما، زمانی که به مناسبت عید میلاد مسیح با خانواده‌تان دور هم جمع می‌شوید، باید با کسانی بر سر سفره بنشینید که گفت و شنود با آنها بسی دردناک و ناخوشایند است. زخم‌های کهنه‌ای که سر باز می‌کنند و زخم‌های تازه‌ای که هنوز بر آنها مرهم گذاشته نشده است. در برخی رابطه‌ها، تکلیفتان

مشخص است و می‌دانید باید چه کنید. اما در برخی رابطه‌ها چنان گیج و آشفته هستید که نمی‌دانید مسیر صلح و آشتی از کدام جهت است. در هر دو حالت، کلید اصلی این است که به وعده‌های خدا اعتماد کنید و از صمیم قلب با این آگاهی قدم بردارید که می‌دانید خدا شما را به خاطر مسیح بخشیده است. رسالهٔ افسسیان ۳۱:۴-۳۲ آیاتی هستند که بارها و بارها این حقیقت را با قدرت بسیار به من یادآوری نموده‌اند: «و هر قسم تلخی و غیظ و خشم و فریاد و بدگویی و خباثت را از خود دور کنید و با یکدیگر مهربان باشید و رحیم و همدیگر را عفو نمایید، چنان که خدا در مسیح شما را هم آمرزیده است.»

همواره این حس شگفتی را در خودتان تقویت کنید و از این حقیقت حیرت‌زده شوید که با وجود همهٔ گناهانتان خدا شما را به خاطر مسیح بخشیده است. از این در بهت و حیرت بمانید که با خدا صلح کرده‌اید. این حیرت و شگفتی که من گناهکار با خدا در صلح هستم دل را نرم و مهربان می‌گرداند و دیگران را می‌بخشد. این بخشش را هفتاد هفت مرتبه به دیگران هدیه دهید.

البته شاید هم این بخشیدن نتیجهٔ برعکس داشته باشد. برای عیسی هم بر روی صلیب نتیجهٔ برعکس داشت. قطعاً، تجربهٔ دردناکی خواهد بود و اگر حواستان نباشد شما هم تلخ و بدخلق می‌شوید. اما اجازه ندهید به این مرحله برسید. از اینکه خطایای شما بخشیده شده است شگفت‌زده‌تر شوید و به این فکر نکنید که به شما بد کرده‌اند. از این حیرت کنید که با خدا در صلح هستید. از این حیرت کنید که با خودتان در صلح هستید. گناه شما بخشیده شده است.

از اعتماد و توکل به خدا دست نکشید. خدا می‌داند چه می‌کند. کامیابی‌تان یا روابطتان یا میزان تأثیرگذاری قدم‌هایتان در مسیر ایجاد صلح و آرامش

گنجینه‌تان نیستند. جلال خدا عالی‌ترین گنجینه است. این گنجینه را در سینه‌تان محفوظ نگاه دارید.

آن هنگام است که همانند فرشتگان ندا می‌دهید: جلال خدا در عرش برین اولویت است. صلح و آرامش در میان آدمیان در درجه دوم قرار دارد.

«که امروز برای شما در شهر داوود نجات‌دهنده‌ای، که مسیح خداوند باشد، متولد شد.» عیسی به این دلیل آمد - در یک روز، در یک شهر، در مقام نجات‌دهنده، مسیح موعود، خداوند قادر مطلق - تا خدا جلال یابد و شما به آرامش برسید. باشد که خدای آرامش به شما آرامش عطا کند و جلال یابد.



## تشکر ویژه

بخش اعظمی از آنچه در این کتاب مطالعه می‌نمایید گزیده‌ای هستند از موعظه‌هایم در کلیسایی که در آن خدمت می‌کردم. بخشی هم جزو مطالبی هستند که برای تارنمای [desiringGod.org](http://desiringGod.org) تهیه کرده‌ام. دیوید ماتیاس که سردبیری گروه ویرایش این سازمان را به عهده دارد، با همراهی جانانان پازنل و تونی رینکی، چکیده‌ای از آن گزیده موعظه‌ها و مطالب را جمع‌آوری کرده و در قالب این کتاب تهیه و تنظیم نمودند. من هم همه مطالب را به همراه اندک تغییراتی بازخوانی و مرور کردم. از دیوید بسیار سپاسگزارم که برای این کار پیشقدم شد و چنین اثرنفریسی را تهیه نمود. اگر همت دیوید نبود، این کتاب هرگز قدم به عرصه وجود نمی‌گذاشت. اگر هرگونه اشتباه یا نقصی در این کتاب مشاهده می‌کنید، آن را به حساب غفلت من بگذارید.

از دوستانی که مسوولیت تهیه و تنظیم مطالب تارنمای [Desiring God](http://Desiring God) را به عهده دارند بسیار تشکر می‌کنم (دیوید، جانانان، تونی، استفان گیرین و مارشال سیگال). این عزیزان محصول همه نوشته‌های من در این سال‌ها را برداشت می‌کنند و آنها را تازه و پرتراوت در اختیار مخاطبان قرار می‌دهند. علاوه بر این، خودشان هم با نوشته‌های ارزشمندشان در جهت پویایی و

کارآمد بودن تارنمای [desiringGod.org](http://desiringGod.org) قدم برمی دارند. باعث افتخار من است که با این دوستان با استعداد و بی نظیر همکاری کنم. همه ما اعلام می کنیم که برای هر نفسی که می کشیم و برای هر فکری که به ذهنمان می آید و برای هر احساسی که داریم و برای هر کلمه که می نویسیم، همه جانبه، به فیض خدا در مسیح متکی هستیم. چقدر خوشحالیم که مدیون فیض هستیم! هدف ما این است که به قوتی که از خدا می گیریم خدمت نماییم تا در همه چیز خدا به واسطه عیسی مسیح جلال یابد. او را تا ابد الابد فرمانفرمایی باد. آمین (اول پطرس ۴: ۱۱).

جان پای پر



## روزهایی که به پیشواز میلاد مسیح می‌رویم روزهای ستایش عیسی است.

فصل میلاد مسیح یکی از پر جنب و جوش‌ترین فصل‌های سال است. اما فصل تأمل و تفکر نمودن بر این روز خاص هم هست. فصل مهیا شدن برای آمدن عمانوییل است. فصل از راه رسیدن خدای ازلی و ابدی‌مان در جسم شکننده و زودآسیب ما انسان‌ها است.

از میان بی‌شمار روزهای شگفتی‌آفرین تاریخ، این روز شگفتی‌ترین شگفتی تاریخ است. این روز چنان بهت‌آور است که جشن یک‌روزه برای آن بسنده نیست. پس، با جشن گرفتن روزهای پیش از عید میلاد مسیح، این جشن را طولانی‌تر می‌کنیم و بر شادی این میلاد می‌افزاییم.

این بیست و پنج متن کوتاه، اثر جان پای‌پر، از اول دسامبر آغاز می‌گردند و تا روز میلاد مسیح ما را با خود همراه می‌کنند. امیدواریم خدا با این مطالب تأمل‌انگیز به شما انگیزه بخشد تا عیسی را ژرف‌تر و دلپذیرتر بستابید. باشد که خدا با این کتاب به شما کمک کند تا مسیح را در این روزهای عید میلادش در کانون جشن و سرور خود قرار دهید.

---

### این است دعای من برای شما در این عید میلاد مسیح

باشد که پُری مسیح را تجربه نمایید.  
باشد که در دلتان فیض از پی فیض جاری گردد.  
باشد که جلال پسر یگانه پدر به دل‌هایتان بتابد.  
باشد که از اینکه مسیح برای شما بسیار واقعی است در بهت و حیرت بمانید.

— برگرفته از پیش‌گفتار این کتاب

---

**جان پای‌پر** بنیان‌گذار و آموزگار سازمان خدمات مسیحی [desiringGod.org](http://desiringGod.org)

و رییس دانشگاه و دانشکده الهیات بیت‌لحم می‌باشد. او نویسنده بیش از پنجاه کتاب است. «مشتاق خدا» «زندگی خود را هدر ندهید» «وقتی مشتاق خدا نیستم» نام شماری از کتاب‌های وی می‌باشند.